

اسناد و قطعنامه‌های

کنگره مؤسسان

حزب دمکراتیک مردم ایران

بخش دوم

قطعنامه‌ها

دیماه ۱۳۶۶

اسناد و قطعه‌نامه‌های
کنگره مؤسسان
حزب دمکراتیک مردم ایران

بخش دوم

قطعه‌نامه‌ها

انتشارات حزب دمکراتیک مردم ایران

چاپ اول

زمستان ۱۳۶۶

فهرست مندرجات

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
الف - ب	<u>مقدمه</u>
۸ - ۱	۱ - <u>قطعنامه در باره‌ی پی‌آمدهای استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی</u>
	۲ - <u>قطعنامه در باره‌ی وحدت جنبش کمونیستی و طرح</u>
۱۳ - ۹	<u>"شورای متحد کمونیستی"</u>
	۳ - <u>قطعنامه در باره‌ی "جبهه متحد مردمی" در راه انقلاب</u>
۱۹ - ۱۴	<u>دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی</u>
	۴ - <u>قطعنامه در باره‌ی "جبهه انقلابی دموکراتیک" برای سرنگونی</u>
۲۸ - ۲۵	<u>رژیم جمهوری اسلامی</u>
۳۶ - ۲۹	۵ - <u>قطعنامه در باره‌ی وظایف میرم در شرایط کنونی</u>
۳۹ - ۳۷	۶ - <u>اعلامیه در باره جنگ ایران و عراق</u>
۴۱ - ۴۵	۷ - <u>پیام به زندانیان سیاسی</u>
۵۵ - ۴۲	۸ - <u>پیام به اعضای حزب توده ایران</u>
	۹ - <u>پیام به خلق رزمنده‌ی فلسطین، به سازمان آزادیبخش فلسطین،</u>
۵۱	<u>به حزب کمونیست فلسطین</u>

مقدمه

نوشته‌ای که در اختیار شماست، از مجموعه اسنادی است که در کنگره مؤسسان حزب دموکراتیک مردم ایران، به یاری خرد جمعی و پس از بحث و بررسی رفقای شرکت کننده در کنگره به تصویب رسیده و اینک برای اطلاع مردم ایران منتشر می‌گردد.

این نوشته‌ها، که در دو دفتر جداگانه ولی بطور همزمان منتشر می‌شوند، شامل قطعنامه‌ها و پیام‌های مصوبه کنگره، و نیز مجموعه اسنادی است که دیدگاه‌های ما را بطور مشروح منعکس کرده‌اند.

باید گفت که اساساً قطعنامه‌های تصویب شده در کنگره، فشرده اسنادی هستند که در دوران نسبتاً طولانی تدارک کنگره، در واحدهای پایه مورد بررسی قرار گرفته، و نتایج آنجا که ممکن بود حگ و اصلاح شده‌اند. شرکت کنندگان در کنگره، با تصویب همین اسناد فشرده شده که به صورت قطعنامه درآمده‌اند، در عین حال به کمیته مرکزی منتخب کنگره توصیه کرده‌اند که آخرین روایت اسناد مورد بحث را نیز هم‌زمان با قطعنامه‌ها و پیام‌های کنگره منتشر سازد. به این ترتیب برای بررسی دقیق کارپایه نظری حزب دموکراتیک مردم ایران، مطالعه مجموعه اسنادی که در هر دو دفتر منتشر شده‌اند ضروری است. چرا که کوشش برای عرضه فشرده‌ای از دیدگاه‌های ما در قطعنامه‌ها، این گامی را با خود همراه دارد که دربرگیرنده تمام جوانب مواضع حزب ما نیست، حال آنکه اسناد پایه، همان دیدگاه‌های منعکس در قطعنامه‌ها را بطور نسبتاً همه جانبه‌تر و وسیع‌تر مورد بررسی قرار داده‌اند.

آخرین نکته قابل تذکر اینک، سند "ما و حزب نوده ایران" گرچه برای ارائه به کنگره آماده شده بود، اما محدودیت زمان برگزاری کنگره و ضرورت بررسی دقیق مطالب مندرجه در آن، باعث شد که کنگره به کمیته مرکزی منتخب خود ماموریت دهد که نوشته را در اختیار واحدهای پایه قرار داده و پس از بحث و بررسی کافی، به انتشار آن مبادرت ورزد. به این ترتیب، این نوشته جزو اسناد مصوب کنگره نیست، اما کمیته مرکزی، با بهره‌گیری از خرد جمعی و پس از حگ و اصلاح لازم، چگونگی انتشار آنرا مشخص خواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران، با انتشار این اسناد، که ثمره جمع‌بندی حزب ما از تجارب تلخ گذشته، با زاندیشی نسبت به خطاها و یافتن علل آنها و نیز تبلور دیدگاه‌های ما برای دست‌یابی به صلح، دموکراسی، ترقی اجتماعی، استقلال

ملّی و سوسیالیسم است، ممیانه آرزو دارد که این اولین گام‌ها، محملی برای برخورد اندیشه‌ها و ترش‌های برای تدارک نظری- سیاسی جنبش طبقه کارگر ایران و حزب واحد آن باشد که بدون شک ثمره نهائی تلاش‌های مشترک همه گردان‌های کمونیستی ایران خواهد بود.

ما با تواضع کمونیستی، بضاامت فکری خود را به رأی و قضاوت مردم ایران می‌گذاریم و با آفوشی باز به استقبال برطرف کردن کاستی‌ها و رفع نواقص می‌رویم که در جریان مبارزه و به یاری آزمون زندگی، اندیشه‌هایمان را میقتل خواهد داد و افتخار حضور در میان مبارزان راه رهائی زحمتکشان را برایمان به ارمغان خواهد آورد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران

قطعه‌نامه در باره پی‌آمدهای استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی

انقلاب بهمن ۵۷ برغم شرکت بی‌سابقه، حماسی و فداکارانه وسیع‌ترین توده‌های مردم از حد وظایف ضد سلطنتی و تا حدی ضد وابستگی سیاسی و ضد امپریالیستی و نیـز نامین آزادی‌های دموکراتیک در دورانی کوتاه و گذرا فراتر نرفت.

حاکمیت برآمده از انقلاب، حاکمیت انقلابی نبود. این حاکمیت به لحاظ حضور فعال روحانیت و بویژه روحانیت طرفدار "ولایت فقیه" و نقش رهبری کننده آن و ماهیت به غایت ارتجاعی و استبدادیش از همان ابتدا، نیروی فعال در حال رشد ارتجاع واپسگرا، ضد کمونیستی و ضد انقلابی را در بطن خود داشت. ضعف سازمان‌های سیاسی طبقه کارگر و دیگر نیروهای دموکرات و مترقی جامعه و پراکندگی صفوف آنها سبب شد خمینی و همدستانش بتوانند به نیروی اصلی و رهبر انقلاب بدل گردند. این نیرو توانست با بهره‌گیری از همه امکانات و تناقضات موجود، در جریان یک نبرد خونین و بیرحمانه، سلطه کامل و مطلق و ضد انقلابی خود را بتدریج در حاکمیت تثبیت نموده و سایه شوم یک دیکتاتوری قرون وسطایی را بر سر مردم ایران بگستراند.

شرکت فعال و گسترده روحانیت در انقلاب و ایفای نقش سرکردگی توسط روحانیت پیرو خمینی در حاکمیت برآمده از انقلاب از ویژگی‌های اصلی انقلاب ایران بود. ایـسن ویژگی عامل مهم بغرنجی شناخت و توضیح روندها و دورنمای انقلاب نیز بشمار می‌رفت، زیرا اگر چه پایگاه طبقاتی روحانیت ایران را در آستانه انقلاب، بطور عمده مالکیت کوچک و متوسط شهر و روستا و بویژه بازار و اصناف، دهقانان میانه حال و بخشی از مالکسان تشکیل می‌داد و روحانیت همواره در میان آنها زندگی کرده و از کمک‌های مستمر مالی همین اقشار و طبقات برخوردار بود و با آنها پیوندهای تنگاتنگ تاریخی داشت، امـسـا در عین حال روحانیت به مثابه نهاد و خمینی و پیروانش به مثابه یک جریان سیاسی- مذهبی عامل روبنائی ساده و صرفاً "منعکس کننده خواست‌های اقتصادی- اجتماعی" و سیاسی مستقیم این طبقات به شمار نمی‌رفتند. روحانیت، مبارزه علیه شاه را با تمایل به دفاع از موقعیت تضعیف شده‌ی اسلام، با زیبایی نفوذ و قدرت در حال کاهش روحانیت در جامعه و تأمین مجدد سلطه خود بر شئون اجتماعی دنبال کرد. مهم‌ترین

راستای مبارزه روحانیت طرفدار خمینی پس از انقلاب را نیز همین عرصه ها، یعنی پیاده کردن موازین اسلام و اسلامی کردن تمام عیار ناروید جامعه ایران و گسترش آن در منطقه و جهان در بر می گرفته است. نزد روحانیت و همدستانش، شعارهای استقلال طلبانه و مخالفت با سرمایه های بزرگ انحصاری از یکسو از زاویه بینش مذهبی و در چهارچوب حفظ و اعتلاء "اسلام عزیز" مطرح می شوند و پس از عبور از صافی "احکام و فقه اسلامی" اعتبار می یابند، از سوی دیگر در چهارچوب قیدها و با رعایت محدوده ی درک طبقاتی روحانیت عمل می کنند که از اول بر پایه احترام و پذیرش مالکیت خصوصی استوار بوده است.

در مجموع، حاکمیت جمهوری اسلامی در جریان بیش از هشت سال نشان داده است که از نظر مشی سیاسی و بینش اجتماعی و فرهنگی، منعکس کننده خواست ها و تمایلات عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین بخش طبقات متوسط شهر و روستا و سرمایه داری تجاری است. این همارائی سیاسی و نظری بر بطن یک جامعه سرمایه داری و تحت تأثیر گریزناپذیر قانونمندی های آن، رونق بازار این اقشار و طبقات را در پی آورده است. سمت اقدامات حاکمیت پس از انقلاب، علیه قشر سرمایه داری بزرگ وابسته بود و ماهیت فئدسرمایه داری نداشت. در نتیجه بخش های دیگر بورژوازی دست نخورده باقی ماند و حتی در بخش تجاری گسترش بی سابقه ای یافت.

اشغال بخش مهمی از پست های کلیدی دولتی و نهادها و مؤسسات وابسته بدان توسط روحانیون و دیگر نورسیده ها، ترکیب طبقاتی حاکمیت را بتدریج دستخوش تغییراتی کرده است. واقعیت اینست که اکنون با هم پیوندی بخشی از بورژوازی ایران با نیروهای حاکمیت (از میان روحانیون، سررشته داران رژیم، نمایندگان مجلس و عناصری از دولت)، قشر نوینی در میان بورژوازی ایران در حال تکوین و گسترش است. این بخش از بورژوازی با استفاده از امکانات حاکمیت و اهرم قدرت و از طریق مساعدت ها و بند و بست ها و ... نیرومندتر می شود.

حاکمیت جمهوری اسلامی در جریان بیش از هشت سال حیات خود، قالب حکومتی تئوکراتیک (دین سالاری) را که در قانون اساسی آن نیز بازتاب یافته، بر جامعه ایران تحمیل کرده است. در جمهوری اسلامی، سازمان ها و نهادهای دینی قزون بر کارکرد پیشین خود در جامعه، بصورت بخش راهبر حاکمیت درآمده اند و جهان بینی، بینش و فرهنگ آنها ایدئولوژی رسمی حکومت ایران را تشکیل می دهند. جایگاه ممتاز روحانیت و نقش

تعیین کننده آنها در حکومت جمهوری اسلامی بصورت اصلی ترین مشخصه این رژیم درآمده است.

در ایدئولوژی رژیم حاکم بر ایران، "ولایت فقیه" نقش مرکزی را ایفاء می‌کند؛ استبداد و توتالیترسیم، ذاتی حکومت "ولایت فقیه" است. چرا که در این نظام فکری قوانین و روابط انسان‌ها نه بر پایه اراده، شعور و خواست شهروندان جامعه، که بر شالوده قوانین مذهبی تغییرناپذیر متعلق به قرن‌ها پیش استوار است و "ولی فقیه" در این حکومت خودکامه بر فراز همگان قرار دارد.

شناخت همه جانبه جمهوری اسلامی و تبیین سیاست‌ها و جایگاه وی در میان کشورهای جهان مستلزم در نظر گرفتن ویژگی‌های این رژیم است. زیرا سلطه روابط تولیدی سرمایه‌داری در جامعه به خودی خود برای ارائه تصویر کامل عناصر روبنایی جامعه‌ای که در آن رژیم تکوکراتیک و اولین حکومت شیعه جهان به رهبری روحانیت فقیه‌ای استقرار یافته، کفایت نمی‌کند. و خودویژگی‌های بسیاری در رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی را از سایر رژیم‌های مستبد متمایز می‌سازد.

تلاش مستمر و پیگیر سررشته‌داران رژیم در پیاده کردن احکام اسلامی در جامعه و یا به عبارت تعاریف خودشان "اسلامی کردن همه شئون جامعه" بر پایه یک حکومت "ولایت فقیه"، تمایل جدی و کوشش در راستای گسترش مرزهای "انقلاب اسلامی" و برانگیختن جنبش‌های اسلامی بنیادگرا با نیت کسب قدرت در کشورهای مختلف منطقه و پیش از همه کشورهای شیخ‌نشین، همراه با استقلال سیاسی این رژیم در رابطه با نیای خارج، در میان خودویژگی‌های رژیم جمهوری اسلامی از برجستگی خاصی برخوردارند. این سه وجه اساسی به کمک دیگر خودویژگی‌های رژیم، به سیاست‌های داخلی و خارجی رژیم سمت و سو می‌بخشد: نتایج عملی و سیاست‌ها و تدابیر رژیم طی هشتاد سال گذشته گواهِ مشخصات و سمت‌گیری‌های اصلی رژیم می‌باشند.

سرکوب پیگیر و دائمی نیروهای مخالف، خشونت و بهیچیت قرون وسطایی، شکنجه، آزار و کشتار بیرحمانه دگراندیشان، خصومت و کینه حیوانی نسبت به هر نوع جنبش دمکراتیک و مترقی و حتی هر جریان اسلامی ضد "ولایت فقیه"، از همان ابتدا تا کنون یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست داخلی رژیم می‌باشد. هزاران هزار انسان آرمان‌خواه و مبارز کمونیست، دمکرات مذهبی و غیرمذهبی در سال‌های گذشته قربانی این سیاست‌های

جنایتکارانه رژیم شده‌اند و هم‌اکنون سیاه چال‌های جمهوری اسلامی انباشته از کسانسی است که به جرم داشتن عقاید مخالف رژیم و یا فعالیت سیاسی-اجتماعی در راستسای آرمان‌های خود، تحت پیگرد قرار گرفته‌اند. جنگ خونین و ارتجاعی هفت ساله علیه خلق کرد به کشتار هزاران نفر و خسارات فراوان انجامیده و رژیم سیاست ارباب و سرکوب را در کردستان و نیز در مورد سایر اقلیت‌های ملی و مذهبی پیگیرانه دنبال می‌کند. جمهوری اسلامی، در ابعاد بهراتب فراتر، در جریان تحمیل تمام عیار الگوهای اسلامی به جامعه ایران، حقوق دمکراتیک مردم، آزادی‌های فردی و اجتماعی، حقوق بشر و بسیاری از ارزش‌های جامعه انسانی قرن بیستم را با خشونت لگدمال می‌کند و مجموعه این اعمال ضدانسانی و تنفرانگیز، خشم، اعتراض و مقاومت روزافزون مردم را در پی می‌آورد. سیاست زورگونی و سرکوب، شکنجه و کشتار به همراه پیگرد نیروهای مترقی و احسزاب و سازمان‌های سیاسی و منفی مخالف رژیم و نیز اقلیت‌های مذهبی و ملی، جمهوری اسلامی را بصورت یکی از خونخوارترین و سیاه‌ترین رژیم‌های مستبد جهان درآورده است.

جنگ ویرانگر و خونین ایران و عراق که با تجاوز رژیم عراق به خاک ایران آغاز شد، سال‌هاست لجوجانه و بی‌شمر با انگیزه صدور "انقلاب اسلامی" و بروی کار آوردن یک جمهوری اسلامی از نوع ایران در عراق ادامه یافت و اینک در مرحله نوبینی از تحول خود موجد بحران بزرگی در خلیج فارس و بهانه‌ی ورود نیروهای تجاوزکار آمریکائی و دیگر هندستان غربی‌اش به آب‌های منطقه شده است. سیاست جنگ طلبانه و ویرانگر جمهوری اسلامی که تاکنون همه تلاش‌های بین‌المللی را برای برقراری آتش‌بس و استقرار صلح عقیم گذاشته است، به بهای سنگین برای مردم ایران و عراق تمام شده و خسارات جبران ناپذیر انسانی و مالی برجا نهاده است.

سیاست رژیم در قبال طبقه کارگر و سایر زحمتکشان شهر و روستا چه به لحاظ نگرش ایدئولوژیکی رژیم به نیروی کار و چه به لحاظ وحشت از نیرو و توان طبقه کارگر و در نتیجه سعی در مهار و سرکوب آن، ارتجاعی و ضددمدی است. رژیم پس از جنبش وسیع کارگری علیه قانون کار توگلی، در طرح جدید قانون کار مواضع ارتجاعی و ضدکارگری خود را با جلوگیری از حق تشکل آزاد و مستقل کارگری و حق اعتصاب که از جمله مهم‌ترین عناصر یک قانون کار مترقی و در حقیقت تنها تضمین واقعی برای اجرای آن و دفاع از حقوق کارگران بشمار می‌روند، تکرار می‌کند. سیاست رژیم در واحدهای تولیدی و مراکز

تجمع زحمتکشان، سیاست ارباب و سرکوب و کنترل پلیسی کامل از طریق ارگان‌های وابسته به دولت و دست‌نشانده است و رژیم با هرگونه تشکل صنفی مستقل طبقه کارگر عنادی آهستی ناپذیر دارد. تعطیل با کاهش ظرفیت بسیاری از واحدهای تولیدی، بیکاری روزافزون، اخراج‌های دسته جمعی و ... جلوه‌های سیاست‌های ویرانگر اقتصادی رژیم‌اند که بی‌ش از همه به طبقه کارگر آسیب می‌رساند.

بخش مهمی از فعالیت‌ها و انرژی جمهوری اسلامی گرداگرد مسئلهٔ صدور "انقلاب اسلامی" و گسترش مرزهای آن و معرفی و تبلیغ جمهوری اسلامی و اندیشه‌های رهبر آن در مناطق مسلمان نشین متمرکز شده است. سیاست رژیم در قبال جنبش‌های اسلامی بنیادگرا در لبنان، مصر، کویت، عراق، افغانستان و ... تلاش برای ایجاد شبکه‌های تروریستی "حزب الله" در خاور میانه و اروپا، سرمایه‌گذاری‌های هنگفت برای تشکیل نشست‌ها و همایش‌های بین‌المللی و جلب و خریداری روحانیان شیعه نقاط مختلف جهان، تأسیس فرستنده‌های رادیویی متعدد برای مسلمانان منطقه و جمهوری‌های مسلمان نشین اقتصاد شوروی، تدارک گسترده برای تبلیغ و ترویج در مراسم حج و غیره در این چهارچوب قابل توضیح‌اند.

سیاست خارجی رژیم در اصلی‌ترین سمت‌گیری‌های آن منصر همگون مجموع سیاست‌ها و اهداف رژیم است، که مرزبندی با دنیای خارج - بویژه کشورهای غیر جهان سوم - و تلاش برای فراگیر ساختن جنبش‌های بنیادگرای اسلامی سمت اصلی آنرا تشکیل می‌دهند. خصوصیات پیش‌گفته نه تنها به سیاست خارجی رژیم سیمای مستقلی بخشیده است، که در موارد متعددی این سیاست‌ها در عمل با منافع امپریالیسم و کشورهای ارتجاعی منطقه در تضاد قرار می‌گیرند و موجب درگیری‌هایی می‌شوند که طی سال‌های گذشته شاهد آنها بوده‌ایم. بحران اخیر خلیج فارس که رویاروش جمهوری اسلامی با آمریکا، هندستان غربی‌اش و کویت و عربستان را در پی آورده، به تضادها و برخورد‌های رژیم با دولت‌های منطقه و غربی ابعاد بحرانی جدیدی بخشیده است.

شاید پس از سال‌ها نبود درونی برای سمت‌دهی به سیاست خارجی، اینک بتوان از یک تمایل غالب در رژیم که البته بطور مرتب در معرض هجوم دیگر گرایش‌های موجود در درون حاکمیت قرار دارد، سخن به میان آورد. این تمایل در اساس، کوشش برای ایجاد نوعی "همزیستی مسالمت‌آمیز" میان جمهوری اسلامی و کشورهای جهان با نظام‌های مختلف

با حفظ "فاصله" و "هویت مستقل اسلامی" برای پیشبرد امر خویش است. در این راستا رژیم از تفادهای گوناگون موجود بین جهان سرمایه‌داری و سوسیالیسم بهره می‌گیرد و با حسابگری‌های سیاسی خاص و برخورداری از اعتماد به نفس ناشی از استقلال عمل خود و با هدف تأمین حداکثر منافع، دست به برقراری رابطه در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی با جهان خارج می‌زند.

عوامل مهمی که در مجموع دامنه مانورهای رژیم را محدود می‌کند، عبارتند از مخالفین این سیاست در درون حاکمیت از یک سو و وابستگی ایران به تکنولوژی و مواد غذایی دنیای خارج بویژه کشورهای غربی و تک‌محصولی بودن صادرات ایران از سوی دیگر. در مجموع، مضمون اصلی و سمبلیک سیاست خارجی رژیم، از آنجمله که بر انگیزه‌های پان‌اسلامیستی صدور "انقلاب اسلامی" بر پایه ایدئولوژی ارتجاعی "ولایت فقیه" و استقرار حکومت مذهبی استوار است، ارتجاعی و در خلاف جهت حرکت چرخ تاریخ و مغایر با منافع واقعی مردم ایران است.

جمهوری اسلامی علیرغم هیا هو و جار و جنجال فراوان پیرامون "عدالت اسلامی"، "حکومت مستضعفین" و مزایای "اقتصاد اسلامی" نه تنها هیچ گامی در جهت تأمین منافع توده‌های مردم برنداشته است، بلکه سیاست‌های جنگ‌طلبانه و بی‌تدبیری‌های رژیم، ناتوانی وی در برطرف کردن مشکلات، اقتصاد ایران را بویژه در بخش صنایع به ورطه سقوط کشانده است. گرانی کمرشکن، بیگاری، کمبود کالاهای اصلی مورد نیاز مردم، اصلی‌ترین مسئله زندگی هر روزه هموطنان ما را تشکیل می‌دهند. به جز اقلیت ناچیزی که از زندگی بی‌دغدغه و مرغه برخوردارند، اکثریت مردم، بویژه کارگران، کارمندان و سایر حقوق‌بگیران و توده‌های تهیدست شهر و روستا در شرایط دشوار و طاقت‌فرسائی گس‌خیزان امور می‌کنند. در کنار مسائل بی‌شمار مربوط به تأمین نیازهای اولیه مردم، باید از فساد فراگیر در همه سطوح و نیز مشکلات متعدد روزمره سایر عرصه‌های زندگی مانند بهداشت، آموزش و پرورش و ... نام برد که از جمهوری اسلامی جهنمی برای توده‌های مردم ساخته است.

در زمینه فرهنگی و اجتماعی، رژیم سیاسی مافوق ارتجاعی و قرون وسطائی را به جامعه ایران تحمیل کرده است. یورش سهمگین جمهوری اسلامی به روابط و هنجارهای اجتماعی، به فرهنگ، ادبیات و هنر ملی و مترقی‌زبان‌های گاه چیران‌ناپذیری به جامعه

و فرهنگ ما وارد آورده است؛ زنان و جوانان بزرگترین قربانیان این سیاست‌های رژیم‌اند که از بسیاری حقوق انسانی و اولیه خود محروم گشته‌اند و شخصیت انسانی-اجتماعی آنها بطور مداوم مورد تحقیر قرار می‌گیرد. وسائل ارتباط جمعی، مدارس و دیگر مؤسسات و نهادها و امکانات مشابه بطور درستی در خدمت تبلیغات تهوع‌آور رژیم، برای شستشوی مغزی مردم و جوانان قرار دارند و علاوه بر اینها گشت‌های مخطوف و دسته‌های مسلح و شبه‌نظامی چون بختک بر روی مردم افتاده‌اند و به آزار و انقیاب آنها دست می‌زنند.

چنین شرایط دشواری، زندگی در ایران را به آن درجه تحمل‌ناپذیر ساخته است که صدها هزار تن از هموطنان ما از اقشار مختلف و بویژه روشنفکران و متخصصان، خروج از ایران و درگیری در غربت را به مانند در میهن و تحمل حکومت مستبد و قرون وسطانی جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهند. به این سیل عظیم مهاجران باید هزاران تن از فعالین نیروهای سیاسی را افزود که بخاطر سیاست سرکوبگر رژیم و خفقان مجبور به ترک میهن شده‌اند.

با چنین ویژگی‌هایی باید سال‌های حیات ننگین جمهوری اسلامی را بدون تردید در زمره سیاه‌ترین دوران زندگی پرفراز و نشیب معاصر مردم ایران به شمار آورد. مردم ما هشت سال است که تحت حکومت خودکامه، واپسگرا و قرون وسطایی جمهوری اسلامی دوران شوم و هولناکی را می‌گذرانند و دره‌ای ژرف و فراخ از خون، نفرت و کینه رژیم جمهوری اسلامی پایه اجتماعی رژیم را نسبت به سال‌های گذشته بشدت تضعیف کرده است و به همین دلیل سررشته‌داران حکومت هر روز بیش از پیش خود را مجبور می‌بینند از عوامل و نهادهای سرکوبگر در برابر مقاومت توده‌های مردم سود جویند. اکنون شبکه‌ای از نیروهای چند صد هزار نفری سپاه، بسیج، کمیته‌ها، انجمن‌های اسلامی و دیگر ارگان‌های مشابه همراه با خانواده‌های آنها یکی از اصلی‌ترین تکیه‌گاه‌های رژیم را تشکیل می‌دهند. ساختار حکومتی جمهوری اسلامی با وجود نقش مرکزی "ولایت فقیه" همواره در راستای چندگانگی و پراکندگی قدرت تحول یافته است. این چندگانگی و پراکندگی قدرت بطور عمده ریشه در لرگیری‌های درون حاکمیت، روابط درونی روحانیت، قانون اساسی و تکیه به احکام و قوانین متعلق به دوران حکومت قبیله‌ای دارد. این تضاد مهم

یکی از عناصر دائمی عدم ثبات رژیم و هرج و مرج در جامعه و شیوه حکومت‌مداری روحانیت و همدستانش به شمار می‌رود. ارگان‌های حکومتی، گروه‌های قدرت، روحانیت، ارگان‌های وابسته به دولت و ... هر یک دارای قدرت و حوزه نفوذی می‌باشند که در نبود یک مجموعه نظام یافته و روابط تعریف شده همواره در یکدیگر تداخل می‌کنند و تضادهای و مشکلات فراوان می‌آفرینند این تضادها رژیم را از حداقل کارائی و سازمان‌یافتگی یک نظام حکومتی در نیمه دوم قرن بیستم محروم می‌کند. درگیری‌های درون حاکمیت یکی از اصلی‌ترین عوامل چندگانگی و پراکندگی قدرت و ناهمسازی ساختار حکومتی کنونی بشمار می‌رود. صحنه سیاسی کشور در سال‌های گذشته بطور دائم شاهد درگیری‌ها و برخوردهای مجلس، شورای نگهبان، رئیس‌جمهور، دستگاه قضائی، تشکل‌های روحانیت، ارگان‌های وابسته به دولت و دسته‌بندی‌های گوناگون سیاسی موجود و ... بوده است. چگونگی برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی و اصلاحات مربوط به آنها، سیاست خارجی، جنگ و مسئله صدور انقلاب اصلی‌ترین عرصه‌های اختلاف نظر در میان دسته‌بندی‌های درون حاکمیت و عناصر مختلف آن را در بر می‌گیرند. اما همه دسته‌بندی‌های موجود و همچنین شخص آیت‌الله خمینی به مثابه ولی فقیه در رأس هرم حاکمیت، علیرغم اختلافات گاه بسیار مهم خود بر سر این یا آن مسئله سیاسی و یا اقتصادی- اجتماعی بر سر یک رشته مسائل اساسی مانند حفظ رژیم از طریق سرکوب منظم نیروهای مترقی و هر جنبش مردمی و پیشبرد بسیاری از سیاست‌های ارتجاعی در داخل کشور با یکدیگر وحدت نظر دارند. و از همین روست که نیروهای مترقی بدلیل ماهیت به غایت ارتجاعی، ضددمکراتیک و آزادی‌کش جمهوری اسلامی، نمی‌توانند و نباید از هیچ یک از اقدامات رژیم پشتیبانی کنند و نه با این سیستم آن دسته‌بندی حکومتی در مبارزه علیه دیگری همدستان گردند.

سرنوشت بلاشروط جمهوری اسلامی به مثابه مانع اصلی تحولات دمکراتیک و انقلابی کشور و به مثابه یک رژیم ضدانسانی و مدنیت، وظیفه میرم و درنگ‌ناپذیر همه نیروهای انقلابی و مترقی و در پیشاپیش آنها کمونیست‌هاست. نیروهای انقلابی از تضادهای درون حاکمیت فقط برای افشای ناتوانی و بحران‌گریزناپذیر رژیم، در راستای تضعیف عمومی و کمک به سرنوشتی آن سود می‌جویند و در عین حال از هرگونه توهمی نسبت به رژیم و دسته‌بندی‌های مختلف درون آن برکنار می‌مانند.

قطعنامه کنگره موسسان حزب دموکراتیک مردم ایران

در باره

وحدت جنبش کمونیستی و طرح "شورای متحد کمونیستی"

- نظر به اینکه اصلی‌ترین وظیفه کمونیست‌های ایران، سازماندهی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا و اقبال مردمی و رهبری مبارزات طبقاتی و سیاسی آنان برای کسب قدرت سیاسی و هدایت پیروزمندانه‌ی انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی، با هدف ایجاد یک جامعه‌ی سوسیالیستی است: "که در آن رشد آزاد فرد، شرط رشد آزاد همگان" است.

- نظر به اینکه سرنوشت انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی با ا—— سرکردگی طبقه کارگر گره خورده و شرط پیروزی، دوام و برگشت‌ناپذیر بودن آنست،
- نظر به اینکه فقط یک حزب کمونیست واقعی، قوی و با نفوذ بوده‌ای قادر است با برخورداری از جهان‌بینی علمی، طبقه کارگر و زحمتکشان را با بهنش دوران‌ساز انقلابی خود و با فرهنگ و دانش سوسیالیستی لازم مجهز سازد و آنها را در راستای رسالت تاریخی خویش، یعنی سرنگونی سرمایه‌داری و تصرف قدرت سیاسی و سازماندهی جامعه نویی سوسیالیستی، به سوی قله‌های پیروزی هدایت کند.

بنا بر این، اهمیت یک مرکز متحد و نیرومند و سالم کمونیستی در ایران که به مشی انقلابی و مردمی مجهز و با توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان در پیوند ناگسستنی باشد، بویژه در شرایط ضعف نسبی و پراکندگی کنونی گردانهای کمونیستی، بیش از پیش برجستگی می‌یابد. و ضرورت تلاش واقعی و مستمر برای وحدت جنبش کمونیستی ایران، با هدف ایجاد حزب واحد طبقه کارگر، علیرغم همه دشواریهای موجود، به وظیفه تأخیرناپذیر و مستمر تک‌تک گردانهای کمونیستی و از جمله حزب ما و فرد فرد کمونیست ه—— غیرمشکل و منفرد ایران مبدل می‌شود.

- کنگره موسسان با آگاهی از وجود تفرقه در جنبش کمونیستی ایران و با توجه به دشواری‌های موجود، معتقد است که دست‌یابی به وحدت واقعی تنها در جریان مبارزه عملی و نظری و طرد سیستماتیک و بنیادی انحرافات چندسویه‌ی موجود، و از طریق

همگرایی و تفاهم اصولی در اصلی‌ترین زمینه‌های سیاسی - نظری و تکامل گردان همسای مختلف کمونیستی و از جمله جریان خود ما میسر خواهد بود. چنین دستاوردی، علاوه بر آنکه باید حیطه‌ی نظری - ایدئولوژیک و مشی سیاسی را فرا بگیرد، بلکه باید از سویی شامل درک و عملکرد دموکراتیک از مبانی و اصول تشکیلاتی حاکم در ساختمان حزب و از سوی دیگر دربرگیرنده‌ی معیارها و ضابطه‌های انسانی - کمونیستی باشد که چراغ راهنمای ما در روابط درون حزبی و مناسبات بیرونی و اجتماعی ما گردد.

- کنگره موسسان تأکید این نکته را ضروری می‌داند که تفرقه موجود در میان گردانهای کمونیستی را نمی‌توان صرفاً ناشی از فقدان پلاتفرم و برنامه‌ی انقلابی و پرولتری دانست و تصور کرد که با دست‌بازی به آن، وحدت جنبش کمونیستی تأمین‌شدنی است. چنین برداشتی از امر وحدت جنبش کمونیستی ایران، کم‌بها دادن به نقش بازدارنده‌ی عوامل ذهنی از قبیل خودمحور بینی سازمانی، فرقه‌گراییهای سکتاریستی، روحیه سلطه‌جویی و برتری طلبی، پیشداوریها و بدبینی‌های بازدارنده است که متأسفانه هم اکنون از عناصر اصلی فرهنگ چپ ایران بشمار می‌روند.

- کنگره موسسان تأکید دارد که داشتن یک کارپایه همگرا و واحد برای جنبش کمونیستی به همان اندازه ضرورت حیاتی دارد که سلامت حزب واحد طبقه کارگر و رهبری آن، که باید تئوری انقلابی و برنامه را پیاده کند و عملی سازد. دموکراسی درون حزبی، رهبری جمعی به جای بوروکراتیسم تشکیلاتی، شیوه‌های کار سالم و وجود روابط انسانی میان اعضاء و میان حزب و طبقه و کل جامعه، استقرار تمام عیار اخلاق کمونیستی، بویژه برای ما کمونیستهای ایرانی که تأثیرات منفی یک جامعه‌ی عقب مانده و استبداددزده را کم و بیش بر دوش می‌کشیم، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

- کنگره موسسان به همه‌ی اعضاء حزب دموکراتیک مردم ایران و هواداران خود هشدار می‌دهد که هرگز از یاد نبرند که حزب توده ایران بویژه در دوران پس از انقلاب بهمن، موفق شده بود درک و سیستم فکری و "ایدئولوژی" معینی را در مسائل تئوریک، انترناسیونالیسم پرولتری، درک از دموکراسی در حزب و در جامعه و بویژه در تربیت و فرهنگ سیاسی، در برخورد با مخالف، در تلقی از دوست و دشمن، چه در درون آن حزب و چه حتی از جهاتی در بخشی از جنبش کمونیستی ایران متداول سازد.

کشف رسوبات تربیت غلط گذشته و آموزشهای انحرافی و مبارزه بی‌امان و مستمر با

آن، از طریق انتقاد و انتقاد از خود، از وظایف دائمی ما است. لازم است با طـرح و بررسی و ریشه‌یابی صادقانه و ارائه نتایج آنها در سطح جنبش، ما دین و تعهد خود را به جنبش کمونیستی ایران ادا کرده و در عین حال از این راه در مبارزه با عوامل ذهنی بازدارنده‌ی فوق‌الذکر متداول در جنبش کمونیستی ایران نقش موثرتری ایفا کنیم.

- کنگره موسسان وفادار به شعار مرحله‌ای مبارزاتی توده‌ای‌های مبارز انحصالی :

همراه با توده‌ای‌های مبارز انحصالی : پیش به سوی اعلام موجودیت و بیان هویت است
همراه با سایر گردانهای کمونیستی ایران : پیش به سوی تشکیل حزب واحد کمونیستی ایران!

اینک که کار خود را در بخش اول، علیرغم دشواریهای زیاد با موفقیت به انجام رسانده است، به کمیته مرکزی منتخب کنگره ماموریت دهد، همراه با سایر گردانهای کمونیستی ایران برای دستیابی به آرمان مشترک همه کمونیستهای ایران در تأمین وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب واحد طبقه کارگر ایران، بر پایه‌ی اصول و شیوه‌هایی که قبلاً از آن سخن رفت، وارد عمل شده و به سهم خویش تلاش کند.

با در نظر گرفتن شرایط حاضر و پراکندگی فعلی میان گردانهای کمونیستی ایران و با توجه به اختلاف نظرها و تنگناهای موجود، با حرکت از این واقعیت و اعتقاد که وحدت کمونیستی بر محور این یا آن سازمان و خود مرکزینی‌ها و برتری جوشیهای بیهوده ممکن نیست، و با آگاهی از این امر که دستیابی به این هدف والا صرفاً در سایه‌ی کوشش‌های صادقانه و همه‌جانبه و مرحله به مرحله و در آغاز در چارچوب و برنامه‌ی حداقلی امکان‌پذیر است، و با اعتقاد به اینکه تلاشهای از "بالا"، به معنی نزدیک‌ی و اتحاد عمل آنان باید با فعالیت‌های مستمر از "پائین"، یعنی تلاش هماهنگ و متحد برای سازماندهی مبارزات زحمتکشان و کارگران و توده‌های مردم توأم گردد، لذا :

- کنگره موسسان حزب دموکراتیک مردم ایران، بمثابة گام نخست، طرح تشکیل "شورای متحد کمونیستی" را بر شالوده‌ی یک کارپایه حداقلی، که مشترکاً "و با توافق عمومی تدوین خواهد شد، مطرح میسازد.

- کنگره موسسان معتقد است :

۱- در این "شورا" اضافه بر نمایندگان گردانهای کمونیستی ایران، کادرهای سرشناس و با سابقه‌ی غیرمشکل کمونیست که کارپایه‌ی حداقلی را برای همکاری

و اقدامات مشترک می‌پذیرند، می‌توانند شرکت جویند.

۲- احزاب و سازمان‌هایی که شرکت آنها در "شورا" به اعتبار آن در جامعه و در بین زحمتکشان لطمه رساند و انسجام داخلی شورا را به مخاطره بیندازد، و هم چنین احزاب و سازمان‌هایی که علیرغم پشتیبانی و تأیید علنی و فعال از جمهوری اسلامی در گذشته، هنوز بطور جدی از خود انتقاد نکرده باشند، از عضویت در شورای متحد کمونیستی برکنار می‌مانند.

- کنگره موسسان زمینه‌های زیر را بحثاً به پایه برای کار مشترک و هماهنگ "شورای متحد کمونیستی" پیشنهاد می‌کند:

الف: اقدامات و فعالیت‌های مشترک و هماهنگ در ایران، سازماندهی مبارزات صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، دفاع از حقوق زنان، بردن شعارهای مشترک مبارزاتی به میان مردم، هدایت مبارزه علیه جنگ و برای دموکراسی و سایر فعالیت‌های تبلیغی مشترک ضد رژیم.

ب: هماهنگ ساختن مشی و سیاست و فعالیت کمونیست‌ها در داخل ائتلاف‌های بزرگ دموکراتیک، برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی.

ج: تبلیغ "شورای متحد کمونیستی" با استفاده از امکانات اعضاء آن به قصد معرفی سیمای دموکراتیک، انقلابی و وحدت‌گرای "شورای متحد کمونیستی" در میان کارگران و زحمتکشان داخل کشور، در جهت کاهش و از میان بردن بحران اعتماد و مبارزه با روحیه‌ی انفعال و یاس، کمک به اعتلاء روحیه‌ی مبارزاتی در داخل و خارج کشور.

د: فعالیت‌های مشترک در خارج از کشور در زمینه‌های مبارزاتی عام: در افشای نظام جمهوری اسلامی، فعالیت‌های ضد جنگ ایران و عراق، دفاع و همبستگی با زندانیان سیاسی، دفاع از صلح جهانی، شرکت در تظاهرات اول ماه مه، جشن‌ها و سالگردها و غیره.

ه: معرفی "شورای متحد کمونیستی"، به مثابه نماینده‌ی معتبر و متحد جنبش کمونیستی ایران در مقیاس جهانی، بویژه در میان احزاب کارگری و کمونیستی.

و: انتشار یک نشریه مشترک اطلاعاتی و تئوریک، جهت ارائه دستاوردهای نظری مشترک، ترتیب بحث‌های سازنده در میان نیروهای تشکیل‌دهنده‌ی شورا، در اساسی‌ترین مسائل مبنایی به جنبش.

- کنگره موسسان معتقد است که "شورای متحد کمونیستی" بویژه در مراحل آغازین خود، از قانونمندی‌های یک جبهه متحد برخوردار است. حرکت و اقدامات متفق "شورا" تنها در چارچوب کارپایه‌ی مشترک و تصمیمات واحد، تعهدآور است. اصل همکـــاری در چارچوب "شورا" و تلاش برای همگرایی‌های نظری و سیاسی و دستیابی به کارپایه‌ی جامع‌تر در راه وحدت، در تعارض با برخورد عقاید و بحث و مجادله‌های قلمی و غلبی سالم و سازنده و رفیقانه در میان اعضا آن نیست. "شورای متحد کمونیستی" باید محل تجمع دموکراتیکی باشد که بتوان مباحثات اپیدئولوژیک و نظری- سیاسی بین‌گردان‌های مختلف کمونیستی و در سطح جنبش را در جوی سالم، روی اصلی‌ترین مسائل مورد نیاز جنبش سازماندهی کرد.

- کنگره موسسان تأکید دارد که اگر تشکیل "جبهه متحد مردمی" و تأمین همزیمنی طبقه کارگر مهمترین وظیفه کمونیستها برای سازماندهی طبقات و اقشار زحمتکش و مردمی و انجام انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی است، تشکیل "شورای متحد کمونیستی" و تلاش مستمر برای تعمیق و تأمین یکپارچگی این شورا به قصد ایجاد یک جریان و محور متحد و قوی کمونیستی، با هدف ایجاد حزب واحد طبقه کارگر که قادر باشد توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان را سازماندهی کند و رهبری مبارزات سیاسی مردم را به دست آورد، شرط لازم آن می‌باشد. زیرا بدون وجود یک حزب کمونیست با ویژگیها و موقعیت فوق‌الذکر در میان کارگران و توده‌های مردم و قلبه بر پراکندگی صفوف گردانهای کمونیستی کشور، خطر آن می‌رود که در داخل "جبهه متحد مردمی" که رسالت سازماندهی و انجام انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی را برعهده دارد، سازمان‌های کمونیستی جدا از هم و در جدال با هم از اثربخشی لازم محروم شده و مآلاً به دنباله‌روی از نیروهای غیرپرولتری گشانده شوند و یا منزوی گردند و انقلاب بار دیگر مقیم بماند.

- کنگره موسسان، سند تنظیمی "کمیته تهیه اسناد" را، تحت عنوان "شورای متحد کمونیستی و امر وحدت جنبش کمونیستی" که در بولتن شماره‌ی ۶ مندرج است، در کلیات آن تأکید می‌کند و به کمیته مرکزی ماموریت می‌دهد که با درنظر گرفتن پیشنهادها، اصلاحات و انتقادات ارائه شده از سوی نمایندگان کنگره موسسان، سند تنظیمی کمیته تهیه اسناد را بمثابه "سند نهائی" تکمیل کند و در اسرع وقت همراه با سایر اسناد کنگره موسسان منتشر سازد. این "سند نهائی" همراه با همین قطعنامه، بیانگر خط مشی و سیاست ما در این زمینه و راهنمای عمل همه‌ی اعضا و هواداران است.

قطعه‌نامه کنگره موسسان حزب دموکراتیک مردم ایران

در باره

"جبهه متحد مردمی" در راه انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی

- با در نظر گرفتن اینکه انقلاب ایران از دیدگاه ما به لحاظ حل تضادهای اجتماعی- سیاسی و انجام وظایفی که در برابر آنست و نیز به مناسبت کیفیت و ترکیب نیروهای سیاسی و طبقاتی که در انجام آن متحدان بالقوه و ناگزیر طبقه کارگرند: انقلابی است دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی.

- با در نظر گرفتن خصلت دموکراتیک و ضدامپریالیستی و مضمون ضد سرمایه‌داری و سمتگیری سوسیالیستی انقلاب آینده‌ی ایران، مسلم است که انجام پیروزمند چنیین انقلابی، فقط از راه ائتلاف طبقاتی کارگران با سایر طبقات و نیروهای غیرپروولتری و به شرط تامین دموکراتیک هژمونی طبقه کارگر، امکان‌پذیر است.

- نظر به اینکه در جامعه کنونی ایران، شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری مسلط است و خرده‌بورژوازی ارتش چند میلیونی را تشکیل می‌دهد و قشر مرفه آن از نقش اقتصادی مهمی برخوردار است و با هزاران ریسمان با سرمایه‌داری گره خورده است. روشن است که در بطن چنین روابط اجتماعی و مناسبات تولیدی و زیرسلطه‌ی ایدئولوژی غالب سرمایه‌داری، خرده‌بورژوازی ایران توان طبقاتی و سیاسی لازم را برای رهبری سمتگیری ضد سرمایه‌داری در نهادهای شکل گرفته و جا افتاده‌ی روبنای بورژوازی ندارد.

لذا این باور که سمتگیری سوسیالیستی و بطریق اولی انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی را می‌توان به رهبری خرده‌بورژوازی آغاز کرد و به جلو سوق داد و که رهبری طبقه کارگر بعدها و در فاز نهائی گذار به سوسیالیسم ضرورت دارد، درکی از بنیاد انحرافی و مردود است و عملاً به خلع سلاح طبقه کارگر و به دنباله‌روی از خرده‌بورژوازی و در نهایت بورژوازی می‌انجامد.

- کنگره موسسان تاکید دارد که تنها در شرایط تامین دموکراتیک هژمونی طبقه کارگر، یعنی تعمیق و توسعه‌ی نفوذ و ارتقاء اعتبار معنوی و وزن اجتماعی طبقه کارگر در جریان سازماندهی مبارزات توده‌های زحمتکش و مردم، و متقاعد شدن آگاهانه و داوطلبانه

اقتدار و طبقات میانی به صحت شعارها و مشی سیاسی آن در عمل و توانائی طبقه کارگر در اقلان بخش‌های غیر مرفه خرده‌بورژوازی (بخش‌های پائین و متوسط آن) به این امر که انقلاب دموکراتیک با سمنگیری سوسیالیستی و حاکمیت برآمده از آن، ضامن فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سالم آنان برای مدت‌های طولانی است، تنها و تنها تحت چنین شرایطی است که بخش‌های غیر مرفه خرده‌بورژوازی، داوطلبانه و از روی میل به اردوی انقلاب خواهند پیوست.

- کنگره موسسان بر این اساس، نیروهای محرک انقلاب و متحدان طبقه کارگر را: دهقانان غیر مرفه، تهیدستان شهر و روستا و حاشیه‌نشینان و اقشار میانی شهروندی و روشنفکران مترقی و بخش زحمتکش کارمندان دولتی و فیردولتی می‌داند. بر بستر چنین آرایش طبقاتی، نیروهای سیاسی متشکله انقلاب آینده ایران را، علاوه بر حزب واحد طبقه کارگر ایران و در صورت فقدان آن، "شورای متحد کمونیستی" تعمیق یافته و یکپارچه، نیروهای سیاسی دموکرات انقلابی و دموکراتیک رادیکال برخاسته از طبقات و اقشار فیر پرولتری فوق‌الذکر و نیز شخصیت‌های منفرد و کمونیست و دموکرات انقلابی تشکیل می‌دهند.

- کنگره موسسان تاکید دارد که در ترکیب "جبهه متحد مردمی"، آن دسته از نیروهای سیاسی فیر کمونیست و دموکرات داخل می‌شوند که علاوه بر اعتقاد به تحولات دموکراتیک بنیادی در جامعه، هوادار همکاری با کمونیست‌ها و در خطوط کلی موافق با آرمان‌های سوسیالیستی باشند.

- کنگره موسسان، "جبهه متحد مردمی" را بمثابه ستاد مشترک طبقات و اقشار اجتماعی فوق و نیروهای سیاسی آنان پیشنهاد می‌کند. "جبهه متحد مردمی" از سازماندهی مبارزات انقلابی و به پیروزی رساندن انقلاب، تشکیل حاکمیت و دولت برآمده از انقلاب و انجام برنامه اعلام شده‌ی جبهه را بر عهده خواهد داشت.

- همزمنی طبقه کارگر بیانگر مناسبات طبقه کارگر با متحدانش در داخل "جبهه متحد مردمی" و تبلور نقش رهبری‌کننده‌ی وی در سازماندهی مبارزات طبقات و اقشار اجتماعی برای انجام انقلاب دموکراتیک با سمنگیری سوسیالیستی و در بفرجام رساندن آنست.

- درک و تلقی ما از مقوله همزمنی طبقه کارگر و نحوه تأمین آن، در مضمون

دموکراتیک آنست. همزمنی طبقه کارگر، جزو شروط شرکت یک حزب و جریان سیاسی دریک جبهه نیست. طبقات و اقشار اجتماعی، نیروهای سیاسی شرکت کننده در "جبهه متحد مردمی"، امر سرکردگی طبقه کارگر را در عمل و در مبارزات روزمره تجربه کرده و دانسته و داوطلبانه و بطور دموکراتیک آنرا می پذیرند. طبقات و اقشار اجتماعی و نیروهای سیاسی شرکت کننده در "جبهه" همزمنی طبقه کارگر را عملاً در جریان سازماندهی مبارزات روزمره نوده ها، در طرح شعارهای درست و تجهیزکننده، در تدوین و ترسیم خط مشی سیاسی جنبش انقلابی و با مشاهدهی فداکاریها و از خودگذشتگیها و نقش واقعا پيشاهنگ طبقه کارگر عملاً احساس کرده و از روی رغبت، از رهبری طبقه کارگر استقبال می کنند.

- کنگره موسسان معتقد است که خصلت و مضمون دموکراتیک همزمنی طبقه کارگر، می باید در دوره ی پس از پیروزی و بازسازی کشور و در جریان حرکت و اقدامات اقتصادی- اجتماعی و سیاسی دولت با سمگیزی و مضمون سوسیالیستی، با هشیاری و مسئولانه و از جهاتی جدی تر از پیش دنبال شود و گسترش یابد.

- کنگره موسسان، برای حالتی که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در بطن همین انقلاب دموکراتیک با سمگیزی سوسیالیستی و تأمین همزمنی طبقه کارگر صورت گیرد، وظایف و برنامه حداقل و اقدامات زیر را پیشنهاد می کند:

الف: روینای سیاسی استبدادی را در هر شکل آن درهم کوبد و ساختار حکومتی نوین را بر پایه دموکراتیک و شرکت واقعی و روزافزون مردم در امور خود و امور کشوری تأمین سازد،

ب: آزادی کامل سیاسی، آزادی مطبوعات، بیان و قلم، آزادی تشکل های سیاسی- صنفی و سندیکا های کارگری، آزادی اعتصابات، آزادی مذهب و عقیده و غیره را در کشور تضمین، و شرایط عملی و قانونی آنها را فراهم کند،

ج: قانون اساسی ارتجاعی و سایر قوانین واپسگرا و ضد انسانی تصویب شده در جمهوری اسلامی را لغو سازد. حقوق بشر را رعایت و برابری کامل حقوق زن و مرد را تأمین و تضمین کند و به هرگونه تبعیض جنسی، ملی، مذهبی و غیره قاطعانه پایان دهد. مذهب دولتی را لغو کند و جدائی کامل دین از دولت و امور حکومتی را عملی سازد، د: سازمان های سرکوبگر، نظیر سپاه پاسداران، ساواجا و کمیته های گوناگون فشار

بیر مردم، دادگاه‌های شرع و سایر نهادهای ساخته و پرداخته‌ی جمهوری اسلامی را منحل سازد. ارتش ایران را بر پایه و اصول دموکراتیک و مردمی تصفیه و بازسازی کند و در آن تحول بنیادی به وجود آورد، تا جامعه‌ی آزاد و دموکراتیک آینده فارغ از ابزار و نهادهای سرکوبگر و اختناق‌آور باشد. تعهد کند تا از سازماندهی هرگونه نهاد سرکوبگر جدی‌د، قاطعانه خودداری ورزد. قانون اساسی نوین بکارگیری شکنجه و اعمال هر نوع عمل توأم با جبر و عنف را به هر دلیل و بهانه‌ای علیه مردم قدغن و مجازات اعدام را ممنوع سازد.

ه: با استفاده‌ی معقول و برنامه‌ریزی شده از امکانات و درآمدهای ملی در راه ارتقاء سطح زندگی مردم و تأمین حقوق اجتماعی-اقتصادی و معیشتی محروم‌ترین و ستمدیده‌ترین اقشار جامعه‌ی شهر و روستا و بویژه در مناطق عقب‌مانده‌تر کشور، قدمهای اساسی و موثری بردارد.

و: کار برای همه، مسکن برای همه و زندگی شایسته برای محرومان جامعه را هدف قرار داده و تأمین آنها را مرکزی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه خود بداند.

ز: قانون کار مدافع حقوق کارگران، قوانین بیمه بیکاری و بیمه‌های اجتماعی مترقی را برای همه کارکنان و زحمتکشان تدوین کند. ساعت کار را به حداکثر ۴۰ ساعت در هفته کاهش داده، حداقل دستمزد را برای تضمین زندگی شایسته تعیین کرده و تنظیم حقوق و دستمزد را بر پایه الگوی متحرک و متناسب با هزینه‌های زندگی ترتیب دهد. شرکت کارگران و کارمندان را در اداره‌ی کارخانه‌ها و موسسات صنعتی، کشاورزی، آموزشی و خدمات بر پایه شورایی عملی سازد.

ح: سرمایه‌های بزرگ را معادله و بازرگانی خارجی را ملی کند و تحت کنترل و هدایت دولت و موسسات و شرکت‌های دولتی خودکفا درآورد. بازرگانی داخلی را، کسبه عمدتاً در حیطه‌ی عملکرد بخش خصوصی خواهد ماند، تحت نظارت و ارشاد دولت قرار داده، موازی با آن شبکه‌های بزرگ توزیع داخلی را دولتی سازد و توسعه تعاونیه‌های توزیع و مصرف را تشویق کند. مستغلات و زمین‌های بزرگ شهری را معادله کند و برای ساختمان مدارس، کودکانها، خانه‌های مسکونی ارزان قیمت، درمانگاهها، گردشگاهها و سالن‌های ورزشی و غیره، مورد بهره‌برداری قرار دهد.

ط: به مالکیت بزرگ زمین هرجا و هر قدر که مانده است، با توجه به ویژگیهای ایران، یا به شکل واگذاری به تعاونیهای روستایی و یا به شکل تقسیم اراضی میسران

روستائیان، یکبار برای همیشه پایان دهد. مسائل و مشکلات دهقانان و روستاهای ایران را از نظر تامین آب، بذر، کود، وسائل و ماشینهای کشاورزی، اعتبارات بانکی با بهره‌ی کم، از میان بردن واسطه‌ها و انگلها، ایجاد راه‌ها، تامین برق، تاسیس درمانگاه، ساختن مدارس عالی و حرفه‌ای و تامین معلم و استادکار را با برنامه‌های ضربتی و اولویت دادن‌ها، حل کند.

ی: در ریشه‌کن کردن بیسوادی در روستاها، ایجاد کلاسهای آموزش فعالیت‌های کشاورزی و به کارگیری تکنیک‌های جدید کشت و تولید و دامداری، مجذانه دست‌بکارشود. با ایجاد کارگاهها و صنایع کوچک، بویژه در رابطه با فرآورده‌های کشاورزی، صنایع تبدیلی و کارهای سنتی و با بوجود آوردن مراکز کار به جلب و جذب نیروی کار آزاد شده روستائیان و به امر خودکفائی و استقلال اقتصادی کشور کمک کرده و فرار روستائیان به شهرها و حاشیه‌نشینی را حتی الامکان کاهش دهد.

ک: مسئله ملی را در میان خلق‌های ساکن ایران براساس حق تمهین سرنوشت خلق‌ها و بر پایه تامین حقوق دموکراتیک آنها و جلب اتحاد و مطالبانه‌ی آنان، در چارچوب ایرانی آزاد و مستقل و واحد، حل کند.

ل: در صورتی که هنوز جنگ ایران و عراق ادامه داشته باشد، برای پایان دادن فوری آن و تامین صلح از راه مذاکره با رعایت قوانین و مقررات بین‌المللی اقدام نماید.

بدین منوال، خصلت و چارچوب دموکراتیک انقلاب آینده‌ی ایران را حل تضادهای بالا و انجام موفقیت آمیز وظایف اصلی فوق مشخص می‌سازد و متعادلان طبقه کارگر، که به حل تضادها و انجام وظایف فوق علاقه‌مند در آن و سهم هستند، نیروهای اجتماع‌ی اجتناب‌ناپذیر انقلاب دموکراتیک آینده‌ی ایران و زمینه‌ی طبقاتی خصلت دموکراتیک آن را فراهم می‌کنند.

اقدامات بعدی دولت برآمده از انقلاب با هژمونی طبقه کارگر، چه در زمینه تقویت و گسترش بخش دولتی، بویژه در رشته‌های کلیدی و استراتژیک و توسعه‌ی تعاونیها، چه در کنترل و هدایت بخش خصوصی اقتصاد، چه در جهت سازماندهی سیستم حکومتی، چه در رابطه با اقدامات اجتماعی و رفاهی، بویژه به نفع محروم‌ترین اقشار جامعه، سمگیری تدریجی انقلاب دموکراتیک را به سوی سوسیالیسم ممکن خواهد کرد.

سایر اقدامات و ملاحظات دولت برآمده از انقلاب با هژمونی طبقه کارگر، در زمینه سمتگیری سوسیالیستی، بویژه در رابطه با حاکمیت و سیستم دولتی و اجتماعی که باید سمتگیری سوسیالیستی انقلاب را تضمین کرده و جامعه سوسیالیستی را شکوفائی دهد، در "سند نهائی انقلاب آینده ایران از دیدگاه ما" که مکمل این قطعنامه است، قبیض شده‌اند.

کنگره موسسان سند تنظیم شده از سوی "کمیته تدارک اسناد" را که در این باره تهیه شده و تحت عنوان "انقلاب آینده ایران از دیدگاه ما" در بولتن شماره ۶ منتشر شده است، در کل آن تأیید می‌کند و به کمیته مرکزی ماموریت میدهد که این سند را با در نظر گرفتن پیشنهادات، اصلاحات و انتقادات مطرح شده از سوی نمایندگان کنگره‌ی موسسان، به مثابه "سند نهائی" تکمیل کرده و همراه با سایر اسناد کنگره‌ی موسسان، در اختیار عموم قرار بدهد.

"سند نهائی" تنظیم شده همراه با این قطعنامه، بیانگر سیاست و خط‌مشی مسان در این موضوع و راهنمای عمل همه‌ی اعضا و هواداران می‌باشد.

قطعه‌نامه کنگره موسسان حزب دموکراتیک مردم ایران

در باره

"جبهه اختلافی دموکراتیک برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی"

- با در نظر گرفتن خصلت استبداد همه‌گیر (توتالیتاریسم) جمهوری اسلامی و تعارض آشکار رژیم ارتجاعی و قرون وسطائی و ضدانقلابی "ولایت فقیه" با حاکمیت مردم بر مردم، که در جریان ۸ سال اخیر، با محو سیستماتیک هرگونه آزادی، سرکوب دگراندیشان، پیگرد کمونیستها، دموکرات‌ها و عناصر مترقی، بستن احزاب و سازمان‌ها و سندیکا‌های کارگری، خفقان مطبوعات و اجتماعات و تجاوز به حقوق همه ارکسان دموکراسی در کشور و مستولی شدن اختناق بی‌سابقه‌ای که صدای هر مخالفی را با زندان و گلوله پاسخ میدهد، باید انعان داشت که :

رژیم جمهوری اسلامی بحق سد راه هرگونه تحول دموکراتیک و هر حرکت انقلابی مردم در کشور است.

- با در نظر گرفتن سیاست جنگ‌افروزان و توسعه‌طلبانه‌ی حاکمیت که به کشتار جوانان و ویرانی شهرها و بی‌خانمانی میلیونها آواره جنگی و نابودی بخش‌های بزرگ اقتصاد کشور انجامیده است ،

- با توجه به جنگ ظالمانه و نابرابری که اینک هفت سال است از سوی حاکمیت جمهوری اسلامی بر مردم شجاع کردستان تحمیل شده و با ادامه سرکوب و ستم ملی بر سایر خلق‌های ساکن ایران، بویژه بر خلق بلوچ و ترکمن ، اساساً "حل بحق و عادلانه‌ی مسئله ملی در ایران با وجود رژیم کتونی غیرممکن گردیده است ،

- با توجه به سلطه‌ی ارتجاع فرهنگی و مدنی بر کل جامعه ، بیداد خفقان مذهبی قرون وسطائی در کشور، تحقیر زنان و جوانان و فقر و فشار اقتصادی فزاینده‌ای کتوده‌های محروم و زحمتکش را به عیان کشانده است ،

- با در نظر گرفتن تضادها و تناقضات داخلی روزافزون رژیم جمهوری اسلامی و عجز و ناتوانی آن در حل معضلات اقتصادی- اجتماعی کشور و ضرورت اقدامات فوری و بنیادی

برای تحولات اجتماعی - اقتصادی، باید پذیرفت که :

مبارزه در راه سرنگونی رژیم مطلق‌العنان جمهوری اسلامی، به مبرم‌ترین وظیفه‌ی سیاسی کمونیستها و سایر نیروهای مترقی و دموکرات کشور در شرایط مشخص کنونی مبدل شده است.

- کنگره موسسان تاکید دارد که خواست اصلی و هدف ما، همانگونه که در قطعنامه قید شده است، انجام انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی است. تمایل ما بر آنست که در بطن همین انقلاب، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیز صورت گیرد و در جریان تحقق برنامه و هدف استراتژیکی ما برای انقلاب آینده‌ی ایران، وظیفه مبرم سرنگونی رژیم جبار کنونی نیز انجام پذیرد.

اما لازمی این امر همانگونه که بارها تاکید شده است، تأمین دموکراتیک‌هژمونی طبقه کارگر در جریان سازماندهی مبارزات ضد رژیم و حرکات انقلابی از یکسو و در فراهم آمدن آمادگی ذهنی توده‌های شرکت‌کننده در این مبارزات و نیروها و سازمان‌های سیاسی موثر شرکت‌کننده در آن از سوی دیگر است. نباید از نظر دور داشت که آمادگی کارگران و زحمتکشان و توده‌های وسیع مردم برای مبارزه در راه آزادی و تحولات دموکراتیک، به معنای آمادگی ذهنی و رزمی آنان برای انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی نیست. برای تأمین آن مهیا بودن ذهنی توده‌ها و درک و پذیرش ایده‌های سوسیالیستی الزام آور است.

کمونیستها هشیارانه و پیگیرانه، برای استفاده معقول و ماهرانه ولی فیرتوطئه‌گرانه از همه امکانات و تحولات، و اوضاع و احوال سیاسی پیش‌آمده بویژه از آمادگی احتمالی رزمی و ذهنی توده‌ها و جو انقلابی لحظه برای پیش‌راندن جنبش تا تأمین چنین حالتی و سوق دادن تحولات دموکراتیک و انقلابی به پیش، از پای نخواهند نشست. به عبارت دیگر، کمونیستها با تمام نیرو خواهند کوشید تا این دو وظیفه مبرم و حیاتی را "تأمین" و با انقلاب واحدی عملی سازند.

اما خطای جدیست که سرنگونی رژیم ولایت فقیه و جمهوری اسلامی و تغییر رژیم کنونی را با تمام اهمیت و عظمت آن، در هر حال و کیفیت و به دست هر نیروی سیاسی و ترکیب ائتلافی که صورت بگیرد، با انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی که تنها دورنمای واقعی انقلاب ایران در مرحله‌ی کنونی از دیدگاه طبقه کارگر ایران است یکسان

گرفت. زیرا چنین حالتی فقط به شرطی امکان پذیر است که مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تحت سرکردگی طبقه کارگر و با رهبری جبهه واحدی از نوع "جبهه متحد مردمی" و در شرایط آمادگی ذهنی و عینی کارگران و توده های مردم صورت بگیرد.

لذا تا تأمین شرایط برای انجام انقلاب دموکراتیک با سنگبری سوسیالیستی، ممکنست کشور ما صحنه مبارزات سیاسی گوناگون و دست بدست شدن قدرت حاکم بین نیروهای سیاسی مختلف غیر پرولتری گردد. از وظایف ما، شرکت هشیارانه و آگاهانه و با حرکت از برنامه و مشی کمونیستی در این مبارزات است. کمونیستها بر مبنای یک کارپایه ای حداقل و با اتفاد تاکتیک های مبارزاتی مناسب، با حفظ استقلال عمل و اندیشه، با سایر نیروهای مترقی و دموکراتیک بر سر مسائل دموکراتیک، برای سازماندهی مبارزات مردم و انجام وظیفه عاجل و ضروری سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با هدف استقرار یک جمهوری دموکراتیک، بطور موقت و مشروط متحد می شوند. و بدین منوال اکثرناتیبی و دموکراتیک و مستقل خود و متحدان خود را در برابر سایر نیروها و ائتلافهای ضد رژیم نظیر سلطنت طلب ها و طرفداران جمهوری اسلامی از نوع دیگر، بوجود می آورند.

- کنگره موسسان بدین ملاحظات در تنظیم وظایف مبرم و اجتناب ناپذیر حزب دموکراتیک مردم ایران، تأکید دارد که می باید، افزون بر تلاش برای تشکیل "شورای متحد کمونیستی" و "جبهه متحد مردمی"، کوشش جدی برای تشکیل یک "جبهه ائتلافی دموکراتیک" یا شرکت سایر نیروهای دموکرات و ملی صورت بگیرد تا از طریق آن مبارزات مردمی و دموکراتیک، برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری دموکراتیک، که واقعا "خواستار و مدافع استقلال ایران و آزادی سیاسی کامل باشد، سازمان داده شود.

- کنگره موسسان تأکید می کند که شرکت کمونیستها در چنین "جبهه ائتلافی دموکراتیک" به شرطی مجاز است که:

اولاً: به استقلال عمل و اندیشه، حق انتقاد و تبلیغ مشی خویش در نشریات و در سطح جامعه صدمه نرساند.

ثانیاً: مانع کار و فعالیت موازی آنان در خارج از محدوده "جبهه ائتلافی دموکراتیک"، در جهت سازماندهی کارگران و زحمتکشان و در راه فعالیت برای انقلاب دموکراتیک با سنگبری سوسیالیستی، نباشد.

- به اعتقاد ما، رسالت "جبهه ائتلافی دموکراتیک" باید محدود به سازماندهی

موفقیت آمیز مبارزات مردم برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، تشکیل دولت موقت و فراخوانی مجلس موسسان با رعایت کامل موازین دموکراتیک و در شرایط آزادی کامل فعالیت احزاب، مطبوعات، سندیکاها و غیره باشد. تعهدات کمونیستها در برابر "جبهه ائتلافی دموکراتیک" اصولاً به همین دوره محدود می شود. مجلس موسسان مضمون جمهوری دموکراتیک، شکل حکومتی، اصول خودمختاریها و خطوط اصلی سمتگیری های اقتصادی- سیاسی و اجتماعی کشور و قانون اساسی نوین را تصویب خواهد کرد.

- کنگره موسسان معتقد است که ادامه احتمالی فعالیت کمونیستها در داخل "جبهه ائتلافی دموکراتیک" پس از سرنگونی رژیم و اساساً شکل و درجه همکاری یا حمایت مشروط و موقت از آن و حتی احتمال مقابله و جبهه گیری در برابر آن، منوط به نتایج و مصوبات مجلس موسسان و خطوط اصلی سمتگیریهای اقتصادی- سیاسی و اجتماعی آنست. کمونیستها مبارزه مستقلانه برای حفظ و تعمیق دستاوردهای دموکراتیک و آزادیهای سیاسی بدست آمده و نیز استقلال عمل خویش را تحت هیچ عنوان و قید و شرطی قربانی نخواهند کرد.

معیار اصلی برای همکاری و ائتلافی موقت و مشروط با سایر نیروهای غیرکمونیستی آنست که مانع کار و فعالیت سیاسی و اندیشیدن مستقل کمونیستها نشود و در عین حال اینگونه ائتلافها و همکاریها قدمی در جهت پیشبرد برنامه حداقل و آرمانهای سیاسی و اجتماعی آنان باشد.

- کنگره موسسان تأکید دارد که کمونیستها در نیمه راه تحولات دموکراتیک متوقف نخواهند شد. زیرا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هدف نهائی نیست. وظیفه ما از فردای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، سوق دادن بلادرنگ، واقع بینانه و رزم جویانه، اقربا جراجویانه ی تحولات دموکراتیک جامعه به سوی انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی است. نیاز کمونیستها هم به دموکراسی پیگیر و هر چه کاملتر از همیشه دیدگاه است.

- با توجه به اهداف و وظایف اصلی "جبهه ائتلافی دموکراتیک" و محدودیت زمانی رسالت آن، کنگره موسسان چارچوب برنامه ای حداقل زیر را پیشنهاد می کند که اساساً بیانگر مباحث سیاسی- اجتماعی "جبهه ی ائتلافی دموکراتیک" و ضمانت تعهدات سیاسی- اجتماعی هر سازمان و شخصیت شرکت کننده در جبهه است و به هیچ وجه منشور

یک برنامه‌ی بلندمدت برای چنین جبهه‌ای نیست :

الف : مبارزه‌ی همه‌جانبه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و "ولایت فقیه".

ب : استقرار حاکمیت مردم بر مردم بر پایه‌ی تأمین استقلال کشور و آزادیهای فردی و اجتماعی و عدالت اجتماعی. در این رابطه شرکت کنندگان در جبهه‌ی ائتلافی متعهد میشوند، برای عملی شدن مطالبات زیرین با تمام نیرو مبارزه کنند و دولت موقت اقدامات اولیه را در این راستا انجام دهد :

- انحلال تمامی ارگانهای سرکوب نظیر سپاه پاسداران و نهادهایی که رژیم جمهوری اسلامی برای تحکیم و گسترش رژیم ارتجاعی "ولایت فقیه" بوجود آورده است و نیز لغو قانون اساسی و لغو تمامی قوانین ارتجاعی و ضدبشری قضائی، فرهنگی، آموزشی و ... ناشی از آن.

- ایجاد دستگاه حکومتی نوین و دموکراتیک، بر پایه‌ی حاکمیت مردم بر مردم.

- تأمین کامل آزادیهای سیاسی : آزادی بیان و عقیده و مذهب و تجمع، سازماندهی سیاسی، سندیکائی، احترام به حقوق بشر، آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی، برابری کامل حقوق زن و مرد، لغو تمام قوانین ظالمانه و تبعیض‌آمیز اجتماعی-سیاسی، عقیدتی و مذهبی کنونی.

- تأمین خواست خودمختاری واقعی برای خلقهای ساکن ایران با تعهد به حفظ تمامیت ارضی و استقلال و حاکمیت ایران.

- آمادگی دائمی برای مقابله با تحریکات و توطئه‌های احتمالی امپریالیست‌ها و دست‌نشاندهای آنها.

- اقدامات عاجل در دفاع از حقوق زحمتکشان و محرومان شهر و روستا و توجه ویژه به مناطق عقب مانده‌تر کشور.

- اقدامات فوری و برنامه‌ریزی شده برای احیاء صنایع ملی و توسعه کشاورزی مدرن و سایر اقدامات لازم در جهت تأمین خودکفائی صنعتی، کشاورزی و غذایی با هدف تأمین پایه‌های اقتصادی استقلال کشور.

- اتخاذ سیاست خارجی مستقل و ضد امپریالیستی. تلاش برای تحکیم روابط دوستانه با کشورها، احزاب و سازمانهای مترقی جهان و دفاع از جنبش‌های رهاشی‌بخش. مبرم‌ترین وظایف چنین جبهه‌ی ائتلافی در شرایط کنونی عبارت است از :

- سازماندهی مبارزات ضد جنگ در میان مردم و هم زمان با آن، تجهیز فعال افکار عمومی و گسترش تبلیغات همه جانبه با هدف مبارزه‌ی تمام عیار برای پایان دادن فوری به جنگ خانمان سوز ایران و عراق و تأمین ملح از طریق مذاکره با رهایت قوانین و مقررات بین‌المللی.

- تشدید فعالیت‌های افشاگرانه و مبارزاتی در داخل و خارج از کشور علیه رژیم خون‌آشام خمینی.

- سازماندهی مردم در اطراف شعارهای جبهه‌ی انقلابی، با هدف سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک.

وظایف تفصیلی مبارزاتی - سیاسی جبهه تا مرحله‌ی سرنگونی، با کار و خرد جمعی هیات موسسان جبهه تنظیم خواهد شد.

- با در نظر گرفتن اینکه هم اکنون افزون بر کمونیستها، نیروهای متعددی با دیدگاه‌های طبقاتی و سیاسی مختلف و گاه متناقض، شرکت داشته و برای سرنگونی رژیم کنونی تلاش می‌کنند. "جبهه انقلابی دموکراتیک" باید شق (آلترناتیو) دموکراتیکی باشد که بتواند در برابر صف آرائیهای سیاسی و جبهه‌های انقلابی سلطنت طلب یا طرفداران تشکیل دولت جمهوری اسلامی از هر نوع دیگر، قد علم کرده و پرچم دموکراتیک واقعی مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تا قله‌های پیروزی به اهتزاز در آورد.

- کنگره موسسان چارچوب زیر را برای عضویت در جبهه انقلابی دموکراتیک پیشنهاد می‌کند:

- پذیرش کار پایه، برنامه، اصول و اساسنامه جبهه و آمادگی و تلاش برای پیشبرد و عملی ساختن اهداف آن.

- تمام سازمانهای سیاسی و شخصیت‌هایی که تقاضای عضویت در جبهه‌ی انقلابی دموکراتیک را داشته باشند، در صورتیکه در گذشته منتهی از جمهوری اسلامی پشتیبانی فعال علنی کرده باشند، می‌بایست صریحاً و به طور علنی و بدون ابهام از مواضع و اعمال گذشته‌ی خود در این رابطه انتقاد کنند.

- مشی و سیاست و برنامه‌ی سازمان متقاضی نباید در تضاد با اصول و برنامه‌ی جبهه‌ی انقلابی دموکراتیک باشد و شرکت آن به اعتبار و حیثیت جبهه لطمه وارد نسازد. مضافاً اینکه تقاضای عضویت باید به تصویب حداقل دو سوم اعضای جبهه برسد.

با توجه به خصلت دمکراتیک و شکل جمهوری دولتی که "جبهه‌ی ائتلافی دمکراتیک" در نظر دارد و نیز با حرکت از مخالفت جبهه‌ی ائتلافی دمکراتیک با رژیم ولایت فقیه و اعتقاد به جداسازی دین از دولتداری، طبیعتاً تمام سازمانها و اجتماعات و جبهه‌های ائتلافی و شخصیت‌هایی که سلطنت طلب باشند و یا به نحوی خواستار استقرار دولت جمهوری اسلامی از هر نوع آن باشند، خود به خود از عضویت در "جبهه‌ی ائتلافی دمکراتیک" محروم هستند و همکاری جبهه‌ی ائتلافی دمکراتیک با اینگونه سازمانها و شخصیتها بی‌مورد است.

- کنگره موسسان تاکید دارد که کمونیست‌ها و از جمله حزب دموکراتیک مردم ایران برای آنکه در برابر حوادث و تحولات سیاسی احتمالی و مختلف کشور فافلگیر نشوند باید متکی به دیدی روشن و برنامه عمل و تاکتیک مشخصی برای همه‌ی حالات مختلف تحسولات سیاسی آینده کشور باشند.

به نظر ما حتی اگر بر اثر تناسب نیروها و کمبود توان رزمی و انقلابی مردم و نیروهای سیاسی آنان، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نه به رهبری "جبهه متحد مردمی" و نه با رهبری "جبهه ائتلافی دموکراتیک" پیشنهادی ما که خطوط اصلی آن فوقاً ترسیم شد، بلکه به دست نیروهای سیاسی دیگر و در خارج از حیطه‌ی عملکرد کمونیستها و متحدان آنان انجام پذیرد، اما حاصل آن به استقرار ساده‌ی یک جمهوری بی‌انجامد که تا حدودی به تأمین آزادی و حفظ استقلال کشور متعهد باشد و به بربریت قرون وسطایی حاکم کنونی پایان دهد و در عین حال مانع عمل و فعالیت مستقل کمونیستها نباشد و به حقوق بشر احترام بگذارد، در آن صورت و فقط تحت چنین شرایطی حمایت مشروط و موقت از همین دستاوردهای محدود و معین در زمینه آزادی و استقلال ضرورت دارد. تا از شرایط و تحولات دموکراتیک به دست آمده، با حفظ استقلال عمل و اندیشه خود، در تعمیق و گسترش آنها با انگیزه‌ی سازماندهی توده‌های زحمتکش و مردم و به پیش راندن مبارزات آنان، بسرای انجام انقلاب دموکراتیک با ستگیری سوسیالیستی که خواست اساسی کمونیستها و متحدان آنهاست، بهره‌برداری شود. روشن است که دفاع ما از چنین دستاوردهای نسبی دمکراتیک در زمینه آزادی و استقلال، به معنای دفاع از چنین دولت و حاکمیت و یا ائتلاف و اتحاد با آن که اساساً ارتباطی با کمونیستها و متحدان وی ندارد، نیست. زیرا اساساً مضمون اصلی سازماندهی مبارزات توده‌های زحمتکش که از آن سخن رفت و قصد ما از بهره‌برداری

از تحولات دموکراتیک نسبی، عبارت از مبارزه برای تصرف قدرت سیاسی و معطوف به چنین هدئی است.

مواضع ما نسبت به دولت های پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و وظیفه ما از فرادای سرنگونی، بطور مبسوطی در "سند نهائی" تحت عنوان "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و ضرورت تشکیل ائتلافهای وسیع دموکراتیک" که مکمل این قطعنامه است، قیـد شده اند.

- از دیدگاه ما، "شورای متحد کمونیستی"، فصل مشترک و ستون فقرات "جبهه متحد مردمی" و "جبهه ای ائتلافی دموکراتیک" است. هر قدر این شورا متحدتر و قوی تر باشد، جنبه های دموکراتیک و مردمی و ضد امپریالیستی "جبهه ائتلافی دموکراتیک" شدیدتر شده و زمینه و شرایط برای تحولات بعدی و انجام انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی فراهم خواهد شد. هر قدر "شورای متحد کمونیستی" متحدتر و نیرومندتر باشد، تشکیل حزب واحد طبقه کارگر به واقعیت نزدیکتر بوده و شرایط برای گسترش نفوذ و تاثیر سیاسی آن در میان کارگران و زحمتکشان فراهم تر گشته و عوامل نهی انقلاب دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی مهیا تر خواهد بود. به همین مناسبات، فعالیت کمونیستها و گردانهای مختلف آن در راه اتحاد عمل و وحدت کمونیستی همچنان از اهمیت و اولویت برخوردار بوده و اساس و پایه ی سیاست های ائتلافی و جبهه ای حزب را تشکیل میدهد.

- کنگره موسسان، به رهبری آینده ماموریت میدهد، به سهم خود و با تمام نیرو در راه تشکیل "شورای متحد کمونیستی"، "جبهه ائتلافی دموکراتیک" و "جبهه متحد مردمی" با همه ی سازمانها و احزاب کمونیستی و سایر نیروهای دموکرات انقلابی و دموکراتیک به تبادل نظر پرداخته و راههای عملی شدن آنها و با راه حل های مشابه و مناسب تر دیگری را مشترکا جستجو کنند.

- کنگره موسسان، سند تنظیم شده از سوی "کمیته تهیه اسناد" را در رابطه با "ائتلافهای وسیع دموکراتیک" که در بولتن شماره ۶ منتشر شده است در کل آن تأیید می کند و کمیته مرکزی را موظف می سازد که بر اساس پیشنهادهای و نظریات و اصلاحات مطرح شده از سوی نمایندگان کنگره موسسان سند تنظیم شده از سوی "کمیته تهیه اسناد" را تکمیل و تصحیح کند و به مثابه "سند نهائی" همراه با سایر اسناد کنگره موسسان در

اختیار اعضاء حزب دموکراتیک مردم ایران و همگان قرار دهد.
"سند نهائی" همراه با این قطعنامه، بیانگر سیاست و مشی ما در این زمینه بوده
و راهنمای عمل کمیته مرکزی و همه اعضاء و هواداران است.

قطعنامه‌ی کنگره‌ی مؤسسان حزب دموکراتیک مردم ایران

در باره

وظایف میرم در شرایط کنونی

رژیم جمهوری اسلامی بحق مسبب اصلی فضای خفقان آور استبدادی، جنگ افروزی و مسئول شرایط دشوار و توان فرسای زندگی توده‌های مردم است. اینک مبارزه علیه جنگ و استقرار صلح پایدار، علیه شرایط دشوار زندگی مردم، علیه اختناق و استبداد همه‌گیر (توتالیتاریسم)، مهمترین عرصه‌ها و محوری‌ترین شعارهای مبارزاتی مردم میهن ما و لذا حزب ما را تشکیل می‌دهند. وظیفه ما و سایر کمونیست‌ها شرکت فعال در این مبارزات و سازماندهی مبارزات توده‌ها و فرازویاندن آنها به سطح یک جنبش سراسری انقلابی و گسترش و ارتقاء تدریجی آن از حالت تدافعی به تعرض همه‌جانبه شد رژیمی است. با تکیه بر چنین واقعیت عینی و تحلیل از شرایط و وظایف میرم روز، ضرورت تلاش همه‌جانبه برای نزدیکی نیروهای چپ ایران در دستور روز کمونیست‌ها قرار می‌گیرد. و به موازات آن کوشش در جهت تشکیل جبهه وسیع دموکراتیک، به‌مثابه ستاد مشترکی که همه عرصه‌های مبارزاتی ضد رژیم را باید سازماندهی و رهبری کند، عاجل‌ترین موردنیازترین وظیفه ما در شرایط کنونی است.

کنگره مؤسسان حزب دموکراتیک مردم ایران با یادآوری اصلی‌ترین زمینه‌های مبارزاتی میرم فوق‌الذکر، برخی از مهم‌ترین وظایف مشخص و فوری در وضعیت کنونی کشور را به کمیته مرکزی و اعضا و هواداران حزب خاطر نشان می‌سازد.

الف : افشا = ماهیت تجاوزگرانه و ارتجاعی سیاست جنگی رژیم و مبارزه برای صلح

ضرورت افشا = انگیزه‌های اصلی رژیم جمهوری اسلامی و شخص خمینی از ادامه این

جنگ، توضیح سیاست پان‌اسلامیستی ارتجاعی و توسعه‌طلبانه‌ی رژیم به قصد استقرار رژیم‌های اسلامی ارتجاعی و استبدادی از نوع ایران در عراق و در سایر کشورهای منطقه، تأکید بر سوءاستفاده رژیم از شرایط جنگ برای سرکوب مخالفان و سرپوش گذاشتن بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از ناتوانی‌های رژیم در حل آنها. جدا کردن این مسائل اساسی و تعیین‌کننده از عوام‌فریبی‌ها و بهانه‌جویی‌های رژیم مبنی بر "مجازات متجاوز" و "کسب فرامات" و امثالهم، که سالهاست قابل حل بوده و اساساً ادامه طولانی جنگ فقط تأمین آنها را مشکل‌تر ساخته است، از وظایف تبلیغی ماست.

کنگره مؤسسان معتقد است که بدون تفهیم و توضیح قانع‌کننده‌ی این مسئله و افشای رژیم در این جهت، امکان تجهیز مردم برای مقابله با سیاست جنگی رژیم جمهوری اسلامی بسیار مشکل است.

۱- کنگره مؤسسان حزب دموکراتیک مردم ایران، با در نظر گرفتن اصل فوق، برای مقابله با سیاست‌های جنگ‌افروزان رژیم، همه اعضاء و هواداران خود را برای انجام وظایف مهم زیر فرامی‌خواند:

۱- افشای سیاست و انگیزه‌های توسعه‌طلبانه و خطرناک رژیم در منطقه و بیهوده بودن آن با پیامدهای منفی در تقویت جناح‌های ارتجاعی رژیم‌های موجود و کشنده شدن پای امپریالیسم آمریکا به خلیج فارس، با استناد به داده‌ها و تحلیل‌های مشخص و واقع‌بینانه. پخش اخبار و اطلاعات مربوط به جنگ و چگونگی هدر رفتن ثروت‌های ملی در راه خرید وسائل و ابزار جنگ، کشتار جوانان و نوجوانان و صدمات فراوان دیگر.

۲- سازمان‌دهی مقاومت کارگران، دهقانان، کارمندان، دانش‌آموزان و دانشجویان در امتناع از رفتن به جبهه‌های جنگ. سازمان‌دهی مخالفت‌ها و اعتراضات نسبت به طرح افزایش مدت سربازی، تشویق سربازان و مشمولین به فرار از جبهه و پیوستن به صفوف مبارزان ضد رژیم.

۳- شرکت در اعتراض مردم و بخصوص آوارگان و مهاجرین جنگی علیه کمبود و خرابی‌های ناشی از جنگ.

۴- شرکت فعال در اجتماعات و راه‌پیمایی‌های ضد جنگ در خارج از کشور و بخصوص اعتراض علیه فروش تسلیحات و سازمان‌دهی تشویق افکار عمومی جهانی برای تحریم فروش اسلحه به ایران، تا برقراری آتش‌بس و شروع مذاکرات صلح و خاتمه جنگ.

ب : سازمان‌دهی مبارزات مردم علیه مشکلات اجتماعی و شرایط توان‌فرسای زندگی

سازمان‌دهی مبارزات مردم علیه مشکلات اجتماعی و شرایط طاقت‌فرسای زندگی کسبه و سیخ‌ترین اقشار جامعه و میلیون‌ها خانوار کارگری، دهقانی، اقشار مختلف زحمتکش و نیمه‌مرفه جامعه را دربرمیگیرد؛ بخش مهم و جدائی‌ناپذیر از مبارزه همه‌جانبه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. این مبارزه، نیازمند تدارک وسیع و درگستره تشکلهای اقشار مختلف اجتماعی: کارگران در کارخانه‌ها، توده‌های مردم در محله‌ها، دهقانان در شوراها و اتحادیه‌های روستایی، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارمندان، زنان و جوانان و انواع تشکلهای دموکراتیک صنفی و فرهنگی مستقل از رژیم می‌باشد. زیرا بدون مبارزه متحد و متشکل، کاری از پیش نخواهد رفت.

بنا براین، مبارزات هماهنگ در زمینه‌های زیر ضرورت مبرم دارد:

۱ - مبارزه همگام و همراه با کارگران، که با درس‌گیری و تجربه‌اندوختن از شکست‌ها و موفقیت‌های سال‌های اخیر، تلاش‌های خود را حول بوجود آوردن تشکلهای مستقل کارگری، علیه نهادها و انجمن‌های اسلامی منفور متمرکز نموده‌اند.

ایجاد هسته‌های مخفی جدا از هم، متشکل از کمونیست‌ها و کارگران فعال، متناسب با اهمیت مراکز تولیدی-صنعتی، به مثابه حلقه‌های پیوند با توده‌های کارگری و در عین حال هسته‌های مبارزاتی که باید فعالیت‌های صنفی-طبقه‌ای کارگران را سازمان دهند.

۲ - سازمان‌دهی مبارزات اعتراضی و مطالباتی کارگران، تدارک و برقراری اعتراضات صنفی-مطالباتی و نیز علیه سیاست ضد کارگری رژیم و عوامل سرکوب آن در واحدهای تولیدی. مبارزه هماهنگ برای یک قانون کار مترقی که ضامن حق تشکلهای آزاد و مستقل و حق اعتصاب باشد، تلاش در گسترش تشکلهای اولیه و اعتلاء سطح سیاسی-سازمانی آنها از تشکلهای ساده به تشکلهای عالی‌تر و مبارزه برای برسمیت‌شناساندن آنها.

۳ - سازمان‌دهی مبارزات کارگران برای بالابردن دستمزدها، بویژه تامین حداقل دستمزد متناسب با هزینه‌های سرسام‌آور زندگی، مبارزه با تعطیل کارخانه‌ها، اخراج بی‌رویه کارگران، بویژه کارگران زن و هرگونه سیاست تبعیض علیه آنان، اعزام اجباری کارگران به جبهه‌های جنگ، اخاذی‌های مالی کمک به جنگ، شرکت اجباری در مراسم

مذهبی و نمازخوانی و علیه سایر اجحافات و تحمیل‌های رژیم .

در جریان چنین مبارزاتی است که باید شعار ایجاد تشکل‌های علنی و مستقل برای تأمین خواست‌های صنفی کارگران طرح شده و با هدایت و رهبری هسته‌های مخفی کارگری به مورد اجراء گذارده شوند.

بدیهی است تحقق این شعار باید همزمان با افشاء محدودیت‌ها و ناتوانی‌های شوراهای اسلامی کار و مبارزه برای شناساندن قوانین و مقررات محدودکننده‌ای باشد که این شوراها را عملاً از قدرت دفاع از منافع کارگران محروم می‌کند.

به اعتقاد ما، در شرایط کنونی یک مبارزه سه‌وجهی و همزمان قادر خواهد بود امر ایجاد تشکل‌های علنی و مستقل را تسهیل کرده و آنها را قوه به فعل در آورد.

- افشاء مقررات و موازین حاکم بر شوراهای اسلامی و کارخانه‌ها، که عملاً کارگران را از انتخاب نماینده واقعی‌شان محروم کرده و شوراها را به صورت تشکیلات وابسته به دولت در می‌آورد.

- مبارزه برای قانون‌کاری که در آن تشکیلات صنفی مستقل برسمیت شناخته شده باشد.

- ایجاد هسته‌های مخفی کارگری که با بکارگیری اشکال مخفی و علنی مبارزه، عملاً بتواند اعتراضات مطالباتی کارگران را سازمان داده، حرکات خودبخودی را در واحدهای تولیدی هدایت نماید.

به اعتقاد ما ترکیب این سه وجه مبارزه می‌تواند در عمل صحت شعار تشکل مستقل کارگری را به توده‌های کارگر بشناساند و آنها را به شعاری همه‌گیر مبدل سازد که حمایت فعال توده‌ها را بدست آورده و رژیم را وادار به عقب‌نشینی کند.

۴ - تلاش در راه بوجود آوردن هسته‌های مخفی کارمندان و معلمان، با همان رسالت هسته‌های کارگری، و سازمان‌دهی خواست‌های آنان برای بهبود زندگی، مبارزه علیه فسادهای اداری، زدنی و ارتشاء و علیه دخالت‌های روحانیون و انجمن‌های اسلامی تحمیلی در امور اداری و آموزشی.

سازمان‌دهی فعالیت‌های مشترک و هماهنگ دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان و استادان، برای بهبود بخشیدن به شرایط و برنامه‌های آموزشی کشور.

۵ - ایجاد هسته‌های مخفی در میان دانشجویان، دانشگاهیان و دانش‌آموزان و سازمان‌دهی مبارزات آنان برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل، امتناع از رفتن به میدان جنگ، حذف برنامه‌های اجباری مذهبی، شرکت واقعی دانشجویان در امور دانشگاهی و کتک‌ها و دانش‌آموزان در امور تحصیلی و برنامه‌های آموزشی و در مبارزه‌ی آنان علیه انجمن‌های اسلامی، به مثابه ارگان‌های جاسوسی دولت.

۶ - تلاش همه‌جانبه برای شرکت در فعالیت‌های روزمره جوانان، در جهت مقاومت در برابر اقدامات ارتجاعی و قشری رژیم، در عرصه‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحات سالم، حضور در کلیه‌ی تشکلهای موجود و خودساخته‌ی جوانان، مانند تیم‌های ورزشی و هنری، سازمان‌دهی و کانالیزه کردن اعتراضات و نگرانی‌های نسل جوان که هر سال صدها هزار نفر از آنان پس از اخذ دیپلم پشت دروازه‌های دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها مانده و به خیل بیکاران و آوارگان اجتماعی افزوده می‌شوند و با افزایش جوانان روستائی مهاجر به شهرها و کارگران جوان بیکار شده، معضل بزرگ نسل جوان را بوجود می‌آورند. اینک انحرافات اجتماعی، اعتیاد، قربانی شدن در جبهه‌های جنگ‌های نسل را به تباهی می‌برد. کار در میان جوانان و سازماندهی آنان از میرم‌ترین وظایف کمونیست‌هاست.

۷ - سازمان‌دهی مقاومت زن ایرانی علیه ارتجاع قرون وسطائی اسلامی و مبارزه با هرگونه تبعیض علیه زن و اقدامات ارتجاعی - قشری در محیط‌های کار و آموزشی و خانواده، و اجبار آنان به پوشش اسلامی و سایر اقدامات تحقیرآمیز علیه زنان کشور، از میرم‌ترین وظایف درنگ‌ناپذیر ماست.

۸ - شرکت فعال و خلاق در اقدامات و حرکات اعتراضی در محله‌ها، علیه کمبود ارزاق، گرانی، فقدان خدمات شهری و تلاش برای سازماندهی این فعالیت‌ها و جنبه تعرضی دادن به آنها، بویژه علیه مراکز و کلیه نهادهای ریز و درشت دیگری که در محلات مختلف مسئول و مشغول دزدی، احتکار و زورگویی و اجحاف به مردم هستند.

۹ - سازمان‌دهی مبارزات دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین برای واگذاری زمین به آنان. حمایت از خواست‌های دهقانان برای کسب امکانات و شرایط مناسب کشاورزی و داشت و برداشت و تامین آب. مقابله با واگذاری مجدد زمین به مالکان فراری آنها. تشویق دهقانان به سازمان‌دهی حرکات اعتراضی خود به کمبود امکانات بهداشتی

و درمانی، آموزش و پرورش در دهات و فقدان برق و آب سالم در بخش مهمی از روستاهای کشور.

۱۵ - توجه جدی به مسئله مهاجرین که از جهنم خمینی فرار کرده و اینک در اقصی نقاط جهان پراکنده‌اند و با هزاران معضل معیشتی، تحصیلی، مشکلات زبان و دشواری‌های ناشی از انطباق با محیط‌های بیگانه و غربت و دشواری‌های مالی دست به گریبانند. ایجاد تشکلهای واقعا "دموکراتیک در شهرها و کشورها که بتواند قاطبه‌ی هم‌میهنان ما را در برگیرد و در چارچوب یک کارپایه‌ی حداقلی آنان را متشکل سازد از وظایف مبرم ما در خارج از کشور است.

این تشکلهای دموکراتیک باید هم به مسائل پناهندگی، معیشتی، تحصیلی و غیره آنان به‌پردازد و هم بتواند وسیع‌ترین اقشار ایرانی و یا دانشجویی را در مبارزه علیه رژیم سفاک جمهوری اسلامی و پایان دادن به جنگ ایران و عراق و در تجهیز افکار عمومی جهان و انزوای سیاسی و تحریم اقتصادی رژیم، تجهیز نماید.

ج : برای آزادی و دموکراسی در جامعه

اساس ایدئولوژی جمهوری اسلامی بر پایه "ولایت فقیه" استوار است که ماهیتا "نافی حکومت مردم بر مردم و اصول دموکراسی است. هر پیروزی در راه آزادی و دموکراسی، قدمی در جهت تضعیف این رژیم و علیه دیکتاتوری و حلقه‌ای از سلسله زنجیر مبارزاتی توده‌ها در راه سرنگونی آنست.

مبارزه برای آزادی و دموکراسی، مهم‌ترین و ثابت‌ترین عرصه‌ی مبارزاتی مشترک کمونیست‌ها با نیروهای دموکرات و مترقی و همه‌ی انسان‌های آزاداندیش کشور ماست. کمونیست‌ها باید پیشاهنگ مبارزه برای آزادی و دموکراسی بوده و مدافع سرسخت حقوق و آزادی‌های دموکراتیک همه اقشار اجتماعی و هر نیروی سیاسی، مذهبی، فرهنگی، هنری و ورزشی باشند که مورد تجاوز و پیگرد نهادهای سرکوبگر رژیم قرار می‌گیرند.

وظیفه درنگ‌ناپذیر کمونیست‌ها، شرکت فعال در همه‌ی حرکات اعتراضی مردم و مبارزه علیه لگدمال شدن آزادی‌هاست. ما باید در کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها، محله‌ها، در محافل فرهنگی و روشنفکری، خلاصه هر جا که توده‌ها هستند و به فعالیتی مشغولند، حضور سازمان

یافته خود را تثبیت کنیم و پیشاهنگ مبارزه برای کسب آزادی‌های دموکراتیک باشیم.

وظایف مشخص و مبرم دیگر کمونیست‌ها در این رابطه عبارتند از:

۱- مبارزه برای آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی و سازمان‌دهی همبستگی توده‌های مردم در این رابطه و تجهیز افکار عمومی جهانی. سازماندهی مبارزات مشترک خانواده‌های زندانیان سیاسی علیه شرایط طاقت‌فرسای زندان، علیه شکنجه‌ها و افساء سیاست‌های ضدبشری و حیوانی رژیم در باره مخالفین سیاسی و انقلابیون و دموکرات‌های کشور.

۲- تلاش برای ارتقاء و شکل دادن به مبارزه مردم در راه کسب حقوق دموکراتیک بویژه سمت دادن آن در راستای ایجاد تشکلهای مستقل سیاسی و صنفی.

۳- مبارزه برای نامین آزادی مطبوعات و انتشارات، علیه قانون فوق‌ارتجاعی مطبوعات. حمایت از شاعران و نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران و مترجمان آزاداندیش و دموکرات و پشتیبانی از خواست آنان برای تشکیل کانون‌ها و انجمن‌های دموکراتیک مستقل و آزاد.

۴- تشدید مبارزه در سطح بین‌المللی، در جهت افشای ماهیت ضددموکراتیک و سیاست‌های فاشیستی و قرون وسطائی جمهوری اسلامی، مبارزه در راه انزوی کامل جمهوری اسلامی در مقیاس جهانی و تلاش برای اخراج دولت ایران از سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی و حقوق بشر، نظیر یونسکو، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل.

کنگره مؤسسان حزب دموکراتیک مردم ایران، از رهبری تشکیلات و نیز از کلیه اعضاء و هواداران حزب می‌خواهد که در این دوران خطیر، و با توجه به حوادث بغرنجی که در میهن ما می‌گذرد، تمام نیرو و توجه خود را متوجه مسائل ایران، شناخت اشکال متنوع مبارزات مردم ایران، آگاهی از سطح واقعی نارضایتی‌های مردم و میزان آگاهی‌های سیاسی آنها، و نیز شناخت دقیق حیل‌ها، عوامفریبی‌ها، اشکال سازماندهی مبارزه دشمن علیه خلق نمایند، تا از این رهگذر، حزب ما قادر گردد، آنگونه که شایسته پیشاهنگان مردم است، با درکی واقع‌بینانه و شناختی هر چه عینی‌تر از ویژگی‌های مبارزه

"ز افتادن در دام ذهنیگری و یا عقب افتادن از سطح آگاهی مبارزات مردم اجتناب کرده،
تغش شایسته خود را در اعتلاء مبارزات مردم ایران بدرستی ایفاء نماید؛

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!
مرگ بر جنگ، زنده باد صلح و آزادی!
برافراشته باد پرچم رزم کارگران و زحمتکشان و روشنفکران!
زنده باد ایران آزاد، مستقل، آباد و سوسیالیستی!
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

اعلامیه کنگره موسسان حزب دموکراتیک مردم ایران

در باره

جنگ ایران و عراق

نابود باد جنگ ویرانگر و خونین

زنده باد صلح

جنگ ۷ ساله ویرانگر و خونین ایران و عراق که با تجاوز رژیم ضد مردمی عراق به خاک ایران آغاز شد، اینک سالهاست که بر اثر سیاست های توسعه طلبانه و پان اسلامبستی رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر "صدور انقلاب اسلامی" ادامه یافته و اکنون به یکی از حوادث دردناک قرن ما بدل شده است. حاصل این جنگ پوچ و بی معنی برای مردم ایران تاکنون، چیزی جز ۲۵۰ هزار کشته، هزاران اسیر، ۳۰۰ هزار معلول، ۲ میلیون آواره جنگی، ۵۰ شهر و ۲۵۰۰ روستای ویران و حدود ۲۵۰ میلیارد دلار خسارات مالی، یعنی ثروتی معادل ۲۵ سال بودجه عمرانی کشور (و یا برابر ۲۰ سال فروش نفت) بجا گذاشته است. این در حالی است که نتایج وحشتناک اجتماعی و روانی این جنگ لعنتی برای هزاران هزار مادر و پدر فرزند از دست داده، بچه و خانواده بی پدر و... را با هیچ معیاری نمی توان اندازه گرفت.

رژیم ایران سالهاست به بهانه های گوناگون ولی در حقیقت با نیت روی کار آوردن یک رژیم مستبد و سرکوبگر مذهبی مانند جمهوری اسلامی در عراق، جنگ را ادامه داده است. جنگ، مردم هر دو کشور را به سوی فاجعه ملی سوق داده و به نوبه خود به تحکیم سلطه ارتجاع و تشدید خفقان و سرکوب در دو سوی مرزها کمک کرده است. علاوه بر این، جنگ در طی هفت سال گذشته همواره عامل بی ثباتی و تشنج در منطقه بوده است و ادامه آن پای کشتی های جنگی نیروهای نظامی کشورهای امپریالیستی را به خلیج فارس و دریای عمان باز کرده است و هر لحظه خطر شعله ور شدن یک جنگ خانمانسوز عظیم تر و مرگبارتر منطقه را تهدید می کند.

مردم شریف و آزاده ایران!

ادامه جنگ یعنی گشتار بیشتر فرزندان شما، یعنی جوانان و نوجوانان این سرزمین و بوم به جای رفتن به دانشگاه و پی ریزی فردای جامعه ایران، باز هم باید راهی

جبهه‌ها شده و در گورهای سرد بخوابند و یا معلول شوند. ادامه جنگ یعنی خرابی بیشتر، ادامه جنگ یعنی گران‌ی و قحطی بیشتر، ادامه جنگ یعنی دود شدن باز هم بیشتر — ثروت‌های ملی به خاطر سیاست‌های جنگ‌طلبانه یک رژیم ضد مردمی و مستبد. در برابر بدبختی و سپه‌روزی شما توده‌های مردم، مشتی سرمایه‌دار محترک و دلالان خرید اسلحه — سودهای کلان به جیب می‌زنند.

مقاومت گسترده شما در برابر ادامه جنگ، عامل اصلی فشار به رژیم در راستای پایان جنگ و پذیرش آتش‌بس به شمار می‌رود.

- پدران و مادران! در برابر فرستادن فرزندانان به جبهه‌های مرگ و نیستی و در

برابر سیاست‌های جنگ‌طلبانه رژیم مقاومت کنید!

- سربازان! از رفتن به جبهه‌های جنگ امتناع کنید!

- معلمان! نگذارید دانش‌آموزان و جوانان در برابر عوامل فریبی‌های حکومت

به گوشت دم توپ رژیم بدل شوند!

- مردم ایران! همه جا پرده از سیاست‌های جنگ‌طلبانه رژیم بردارید. اجازه

ندهید رژیم به بهانه‌های مختلف برای تامین هزینه‌های سرسام‌آور جنگ از مردم

اخذانی کند: هفت سال جنگ، مرگ، ویرانی، بمب و قحطی کافیت.

همه جا علیه جنگ، علیه سیاست‌های جنگ‌طلبانه رژیم

و برای آتش‌بس فوری در جبهه‌ها!

همه متحد و یکپارچه برای خاموش کردن توپ‌ها در دوسوی مرزها!

در اینجا روی سخن ما با نیروهای سیاسی مترقی و دموکراتیک ضد رژیم است.

اقدام مشترک ما در مقابله و افشای سیاست‌های جنگ‌طلبانه رژیم، در بسیج مردم علیه

جنگ، در تشدید فشارهای بین‌المللی، عامل مهمی در روند انزوای رژیم و پذیرش

آتش‌بس در جبهه‌های جنگ است. بیایید در کنار یکدیگر به کارزار علیه ادامه جنگ،

علیه ادامه فروش اسلحه به ایران، برای تحریم نظامی و اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی،

توان و نیروی مضاعف بخشیم.

تلاشی که هم اکنون در سطح بین‌المللی در پی تصویب قطعنامه ۵۹۸ از سوی شورای امنیت برای پایان بخشیدن به جنگ خونین ۷ ساله ایران و عراق صورت می‌پذیرد، زمینه مساعدی برای اشراف‌بخشی مبارزه متحد ما بوجود آورده است.

نیروهای مترقی و صلح‌دوست میهن‌مان باید از همه اقدامات مثبت بین‌المللی در راستای تحمیل آتش‌بس فوری به رژیم حمایت نمایند. به نظر ما، در شرایط کنونی، آتش‌بس فوری در جبهه‌ها، خروج فوری نیروهای مداخله‌گر آمریکایی و سایر کشورهای خارجی از منطقه خلیج فارس و دریای عمان از ضرورت و اولویت بی‌چون و چرا برخوردارند. در پی اولین گام می‌توان کار مذاکرات برای مبادله اسرا، برگماری یک کمیسیون بی‌طرف برای تعیین منشاء جنگ، تعیین فرامت‌های جنگی، بازگشت طرفین به مرزهای بین‌المللی بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و سرانجام اتخاذ تدابیر مشخص برای جلوگیری از شعله‌ور شدن مجدد آتش درگیری میان دو کشور را نیز زیر نظر شورای امنیت پی‌گرفت. وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش شرایط فوق، فقط و فقط در شرایط تشدید بی‌سابقه فشارهای داخلی و خارجی علیه سیاست‌های جنگ طلبانه آن میسر می‌گردد. در این چهار چوب و در صورت ادامه سیاست جنگ‌افروزانه فعلی جمهوری اسلامی، مبارزه برای عملی شدن فوری تحریم فروش اسلحه به جمهوری اسلامی از سوی همه کشورها و نیز در گام بعدی، تحریم اقتصادی این کشور، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

حزب ما در جهت تحقق شروط و تمهیدات پیش‌گفته، همه تلاش خود را برای بسیج توده‌های مردم میهنمان و جلب توجه افکار عمومی در سطح جهان به کار خواهد گرفت و در این راه حاضر است با همه نیروهای صلح‌دوست و مترقی کشورمان همکاری نماید.

پرتوان باد مبارزه متحد مردم ما برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق!

زنده باد صلح!

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

پیام به زندانیان سیاسی

فرزندان آزادهٔ خلق‌های ایران!

ایران امروز ما زندان بزرگی است برای همهٔ مردم و محبوس شما جان‌های فداکار قلب ایران ماست. در سایهٔ شوم موجودیت رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه جان‌های گرانقدر شما پرشورترین انسان‌ها، جان‌هایی که خود را وقف سعادت و پیروزی مردم کرده‌اند، آماج بهیمی‌ترین رذالت‌های سفله‌گان تاریخ قرار دارد.

در تاریخ پررنج و درد خلق‌های ایران دفاع از پیروزی مردم و دفاع از آزادی و حقوق پایمال شدهٔ توده‌ها، همواره با ددمنشی حکام مواجه بوده و امروز رژیم جهل و جنایت قرون وسطایی بر این دفتر خونین، برگ‌های پی‌شماری افزوده است، برگ‌هایی که برای ابد در خاطر نسل‌های آینده نقش خواهد بست.

در کشوری که ساده‌ترین اندیشه‌های ترقی‌خواهانه مستوجب وحشیانه‌ترین — و هولناک‌ترین شکنجه‌های روحی و جسمی است، در کشوری که به مجرد ساده‌ترین مخالفت با حکام، ماشین مهیب سرکوب با ترکیب مدرن‌ترین اسلوب‌ها، با بیشه‌رمانه‌ترین روش‌های قرون وسطایی شکنجه بکار می‌افتد، در کشوری که ده‌ها هزار از بهترین سرمایه‌های مردم در زندان‌ها به گناه ناکرده به مرگ تدریجی محکوم می‌شوند، حدیث زندانی سیاسی و حدیث مقاومت جان‌های بی‌تسلیم، حکایت از حماسه‌های سترگ انسان دارد.

زمانی بلاشک قفل زندان‌ها می‌شکنند و رازهای سر به مهر و حماسه‌های گمنام از پرده بیرون می‌افتند؛ این بر تارک تاریخ نوشته است. و این را حماسهٔ پرشور مردم ایران در شکستن درهای زندان‌های آریامهری نشان داد و سرنوشت همهٔ رژیم‌های متکی به سرنیزه بلااستثناء اینرا نشان داده است! رزم شما و حماسه شما در داخل زندان‌ها و مقاومت توده‌ها در خارج از زندان‌ها و شایقه اجرای حکم تاریخ است!

امروز ما به همراه وسیع‌ترین اقشار مردم در بیروم زندان‌ها از رزم و مقاومت الهام بخش شما می‌آموزیم و نیرو می‌گیریم و رزم و نبرد خود را شمرهٔ حماسهٔ شما می‌دانیم. ما هم مانند شما به تجربه گذشته خود آموخته‌ایم که عاقبت این شام صبح گردد و این شب سحر شود، زیرا خفاشان تاریخ یارای سد کردن حرکت زمان و جنبش سحرآمیز —

و شفاعت بخش توده ها را نداشته ، ندارند و نخواهند داشت .

ما دفاع از شما و دفاع از خانواده های رنج دیده شما و کمک به مبارزات ایثارگرانه آنها را جزئی از دین خود به جان فشانی هایتان می دانیم و در برابر رنج شما و مادران و پدران ، همسران و فرزندان و بستگان شما سر تعظیم فرود می آوریم .
چه بسا جان های پرشوری که زیر تیغ های خونریز جلادان خاموش شده اند و چه بسا در اوج گمنامی اما می گویند تاریخ کشتزاری است که در آن هیچ بنر سالمی گم نمی شود . بنر مقاومت شما در برابر شریرترین رژیم تاریخ ایران نیز سرانجام به ما می نشیند و آن روز دور نیست .

اخبار مقاومت شما ، بخصوص مبارزات یکسال اخیرتان که با اعتصاب غذا های شجاعانه ، رژیم را وادار به عقب نشینی در برخی زمینه ها کرد ، بما رسید . مبارزه متعهد و همبسته و همیاری یکدلانه شما که با عقاید و گرایشات گوناگون در دخمه های سرد به یکدیگر گرمای انسانی می دهد و یکدیگر را همچون انسان های صاحب عقیده و آرمان های ترقی خواهانه تحمل می کنید به ما می آموزد که با تمام نیرو در راه وحدت نیروهای مترقی و مسکرات ایران کوشا باشیم و قدرت یکپارچه خود را در جهت پایان دادن به رژیم خونخوار خمینی و کشودن درهای زندان ها و آزادی فرزندان دلاور خلق بکار اندازیم . مبارزه شما و پیروزی های اخیرتان به ما جنبش های وسیع تر و مقاومت های بزرگ تر در میان توده ها را نوید می دهد .

مبارزه متحد و همبسته مردم و نیروهای سیاسی مترقی ، با الهام از نبرد نابرابر شما عزیزان در بند ، سرانجام ثمرات خود را بیار می آورد و عید به خانه ی ما بازمی گردد .

- گرمای باد خاطره تابناک همه مبارزانی که در دفاع از آرمان های انقلابی و ترقی خواهانه خود در سیاه چال های جمهوری اسلامی جان باختند !
- درود بی پایان بر حماسه باشکوه مقاومت و رزم زندانیان سیاسی ایسران !
- پرتوان باد مبارزه یکپارچه مردم ایران برای آزادی زندانیان سیاسی !
- سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی !

پیام به اعضا "حزب توده ایران"

رفقای عزیز!

اینک یکسال و نیم پس از نمایش شکست خوردن هی "کنفرانس ملی" و حدود ۵ سال پس از فاجعه شکست تمام عیار حزب، جنبش حقیقت جویانهای که از میان صفوف ما سر بلند کرد با اعلام موجودیت سازمانی-سیاسی خود، به مرحله کیفی نوینی در راه مسترگه و دشوار خویش در نغی همه جانبه انحرافات حزب و پی افکندن طرحی نو برای آینده وارد گشته است.

چنانچه در پیام کنفرانس تدارکاتی سرتاسری، خطاب به شما (خرداد ۶۶) یادآور شدیم، ما و بسیاری از شما هنگام جدایی دست کم بر سر یک نکته اساسی برخورد متفاوت داشتیم: ما ترك صفوف حزب را تنها راه ادامه مبارزه انقلابی میدانستیم و شما بر این باور بودید که با ادامه مبارزه درون حزبی می توان به نغی انحرافات و احیاء حزب نائل شد.

امروز که ما مرحله کیفی جدیدی را با اعلام موجودیت خود آغاز کردیم، وظیفه خود می دانیم که نتایج مبارزه خود و روند تحولات فکری دانداری را که در نغی ریشهای عمقی علل انحرافات حزب در خارج از تشکیلات بوروکراتیک و سیستم نظری فرسوده حزب طی کردیم، با بیان کار شما در کفه ترازو قرار دهیم و تفاوت را به وجداندان انقلابی شما و دآوری جنبش و توده ها واگذار نمائیم:

- اگر شما از بی پرسشیه ها و بی اخلاقی های درونی حزب در این مدت در نهبان و در کج حوزه ها و محفل های درستت حزبی رنج بردناید، در عوض ما نجسواى اعتراض آلود شما را به گوش توده ها رساندیم و آنها را به فرهادی رسا بدل ساختیم. ما در این مدت پژواک اعتراض و افشاگری های نسل جوان حزبی و نیز نقد بی تریه کادرهای جنبش کمونیستی ایران مانند شاندرمنی ها، آوانسپان ها و ... بودیم و بخود می بالیم از اینکه در برج و باروی حزب که سال ها زندان فرهاد های اعتراض بسیاری جان های سالم درون حزب بوده و چه بسا بخاطر ملاحظات و یا ترس از انزوا

به زمزمهای فروخورده بدل شده، حفرهای به پهنای تجربه تلخ نسل معاصر انقلاب بیون ایران ایجاد کردیم. به خود می‌بالیم که با شیوهای متین و بدور از جنجال‌های ایزان، اسلوب فاجعه‌بار حزب مداری رهبری حزب را در پیشگاه توها و سایر مبارزان راه رستگاری مردم افشا کرده و می‌کنیم، و در این راه در برابر وجدان بیدار طبقه کارگر و مبارزان راه سعادت مردم و همه آتشی که در راه آرمان‌های انسانی خود در صفوف حزب جان باختند، و در برابر رفقای در بندی که چه بسا در پشت دیوارهای سرد فراموشخانه‌های رژیم هنوز از امامزاده رهبری حزب و از سیستم فکری انحرافی آن انتظار معجزه دارند، خود را مسئول می‌دانیم. ما به خود اجازه می‌دهیم که از شما بپرسم که آیا در برابر این همه خلاف و ریاکاری که به چشم خود دیدم، باندازه مسئولیت خطیرتان در برابر نسل زجر دیده امروز انجام وظیفه کردید؟ آیا از درون این دستگاه بوروکراتیک و استبدادی انسان گداز و مسخ کننده انگیزه‌های سالم، فریاد شما جز فریاد زیر آب چیز دیگری بوده است؟ آیا حسن نمی‌کنید که در این سیستم ضد بوروکراتیک به انسان‌های دو شخصیتی بدل می‌شوید و با بگی منفعل خواهید شد؟

- اگر شما در ریشه‌های انحرافات فکری حزب در دوران انقلاب بهمن بخاطر رعایت "قواعد بازی" در چهارچوب سرهم‌بندی‌های "پلنوم ۱۸" و "کنفرانس طلسمی" و بخاطر "حفظ مصالح عالییه و وحدت حزب" تمکین کرده‌اید به خود اجازه فرارقت از چهارچوبه نظرات متداول حاکم بر حزب را ندادید، ما در عوض تلاش دامن‌داری را برای کشف ریشه‌های فکری و نظری انحرافات فاجعه‌بار آغاز کردیم و بدون هراس از برجسب زنی‌های جزم‌گرایانه، نظرات خویش را در اختیار شما و همس جنش قرار دادیم.

اگر شما مستقل از انگیزه‌هایتان در عمل به سرکوب د مکراسی و اندیشه‌های پویای درون حزب از سوی گردانندگان آن در دوران پس از افتتاح "کنفرانس ملی" تمکین در دادید، ما در عوض راه د مکراتیک تحمل اندیشه‌ها و ضمانت رشد آزاد و سالم دیدگاه‌ها و حراست از سلامت حیات درون سازمانی را برگزیدیم و در عمل تا حد توان خویش به آن وفادار ماندیم، که خود کنفرانس تدارکاتی سرتاسری و کنگره

موسسان و روند دموکراتیک منتهی به آن گواهی بر این مدعاست.

- اگر شما با بقا در حزب باندازه سهم و اعتبار معنوی فردی تان سرمایه سیاسی هرچند محدود را برای بوروکراتهای فاسد فراهم آورد ماید تا با سوداگری بسیار آن در جهت حفظ مصالح حقیر خود در صفوف جنبش چپ ایران تفرقه افکنی کنند، ما در عوض در راه اصولی و سالم جنبش کمونیستی و مجموعه جنبش دموکراتیک ایران - گام های هرچند اولیه ولی جدی برداشتیم و در این راه مصمم هستیم، گنیه موانع از جمله تفکرات انحرافی مذموم و حاملان این تفکرات و در رأس آنها متولیان حاکم بر حزب را هرچه بیشتر منزوی کنیم.

- اگر شما در ریشه های انحرافات حزب از انترناسیونالیسم و نفی روابط ناسالسی که دیگر کم و بیش در برابر دیدگان همه ما قرار دارد، خود را ملزم به رعایت چهار چوب های تنگ درک انحرافی حزب کرد ماید، ما در عوض بدون هراس از انواع شاننازها در پی ریشه یابی کامل، عینی و ذهنی انحراف در گذشته های دور برآمده و گام به گام به مکاشفات نوین رسیدیم و آنرا برای قضاوت عموم در اختیار جنبش قرار دادیم. ما در این راه هرگز از برجسب های سردمداران حزب که بویژه بمنظور ایجاد بدبینی در صفوف شما نسبت به ما صورت می گیرد، هراس به دل راه ندادیم. زهرا ایمان داریم که همان انگیزه های انسانی و انقلابی سالنی که زمانی همگی ما را به طرف جذابیت های ظاهری حزب جلب کردند، غردا بسیاری از شما رفقا را به مواضع ما خواهد رساند. ما می دانیم و امید داریم شما هم بید بید که فاصله امروزی میان ما تنها محلول در زورخوردازی ها و عوام فریبی های بوروکرات های جاه طلب رهبری و نیز برخی مصلحت اندیشی ها و تاثیر منفی نیروی عادت در میان شماست. اگر کمسی در عمق افشاگری های امروز در کشورهای سوسیالیستی دقت کنید و از وای تعصبات به فاکت های تاریخی بنگرید، بی گمان حقانیت صراحت و اصولیت ما در برخورد و مبارزه با اندیشه های فالیس و جزئی، روابط بوروکراتیک تشکیلاتی و نیز روابط ناسالسی بین المللی حزب را تأیید خواهید کرد.

رفقای عزیز!

ما با بازبینی و کاوش گذشته و حال حزب در ابعاد گوناگون آن، با تکیه بر تجارب مبارزه درون حزبی و به اعتبار تکامل فکری خود پس از خروج از حصار تنگ سیستم فکری مسلط بر حزب، بر جمع بست خود با قوت بیشتر تأکید می‌کنیم: در مجموعه نظام فکری و تربیتی و سیستم تشکیلاتی-اداری سرپازخانه‌ای حاکم بر حزب و در شرایط فقدان جو و مکانیزم دموکراتیک، که گردانندگان حزب با تمام قدرت و دوز و کله بازی‌ها از آن پاسداری می‌کنند، هیچ مبارزه درون حزبی برای سالمسازی این سیستم بسته و به بن بست رسیده، شمر شمر نخواهد بود. ما با پوست و گوشت خود باین نتیجه رسیدیم که سیستم فکری-سیاسی و روابط حاکم بر حزب نه از درون و نه از جانب هیچ نیروی کمکی از بیرون قابلیت دگرگونی بنیادی ندارد. سیر نروپاشی حزب امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست و جدایی‌های جدید از این دستگاه، حتی فاصله‌گیری نیروهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از آن، افشاگری‌های تعدادی از رفقای با سابقه و گواهی بر این مدعا می‌باشد.

امروز دیگر وقت آن فرا رسیده که در باره اشرفی مبارزه شما و نتایج مبارزه ما به داوری قطعی نشست و ما چنانکه گفتیم، جنبش، توده‌ها، و وجدان مردمی شما را به داوری فرا می‌خوانیم.

رفقای عزیز!

این داوری از آن جهت اهمیت دارد که تاریخ، جنبش خلق، ضرورت‌های مبارزه در یکی از حساس‌ترین دوران‌های تسلط ارتجاع بر میهن بلا کشیده ما، احساس مسئولیت کمونیستی، رسالت انقلابی و ... همه و همه شما را فرا می‌خوانند تا نقش خویش را در میانه‌ی این میدان به درستی و اصلیت ایفا کنید. سیاست "باری به هر جهست" و "این نیز بگذرد" و یا در انفعال و یأس و انتظار بسر بردن حالتی نیست که بعدها بتوان توجیهش کرد.

بسیاری از ما هنوز هم در برخورد با رفقای توده‌ای، آنان را در انفعال و انتظار می‌یابیم. بسیاری از این رفقا هنوز هم بقایای امید را در دل خود پنهان کرده‌اند

که گویا "حزب" شان سرانجام بها خواهد ایستاد و با رویا روشی گستاخانه با گذشته و حال، زندگی جدیدی را از سر خواهد گرفت.

ما از این رفتار می‌خواهیم که مسئولانه، بدون تمصب و پشداوری، وقایع چند ساله گذشته را مرور کنند. تمام وعد و وعیدها را با محک زمان بسنجند، "نامه مردم" را، بها همه ادعاهای ریز و درشتش، با تحلیل‌های ناموفزش، با شمارهای توخالی و با مقالات بی‌محتوایش، مورد قضاوت سختگیرانه قرار دهند. از خود بپرسند که راستی تکلیف شعار جنگ مسلحانه برای سرنگونی رژیم، تکلیف جناح‌های حاکمیت، "خط امام" که دوباره جان گرفته، تکلیف امپریالیسم که هنوز معلوم نیست طرفدار خط امام یا مخالف آنست و غیره از دیدگاه رهبران حزب، به چه صورتی تعیین شده است؟ اعضای حزب تا چه موقع باید در انتظار معجزات "رهبری" آن و سیاست‌های پشت پرده و خلق الماسه حزب هیچ توجه و هیچ تصویر دقیقی از آینده سیاسی حرکت خود نداشته باشند و به دنبال وقایع تبدیل گردند؟

ما اجرای دمکراسی درون حزبی به کجا انجامید؟ آیا این راست است که هنوز همه مسئولین برگزیده "بالا"، برخی با تهدید و ارقاب و برخی با تعجید و تطمیع، ناراضیان را به خاموشی دعوت می‌کنند؟ آیا راست است که "تصفیه" عناصر "نامطلوب" کماکان در صفوف حزب ادامه دارد و کسانی که از رهبری وفای بعضی قول قرارهای قدیمی را میخواهند، بسادگی از حوزه‌ها کنار گذاشته می‌شوند؟

براستی وقت آن نرسیده است که تحقق ارزشمند سانترالیسم دمکراتیک در صفوف تشکیلات نوین ما، حزب دمکراتیک مردم ایران را از نزدیک مشاهده کنید و در آن قدرت تصمیم‌گیری توده‌های سازمانی، نقش اراده، تفکر و کنترل آنان را بر تشکیلات و رهبری بچشم ببینید و عظمت تحمل این بیوروکراسی فزونی و مستبدانه در حزب توده ایران را از خود سؤال کنید؟ آیا می‌دانید که در تشکیلات نوین ما، هیچ انتصابی صورت نمی‌گیرد، و همه مسئولین و مقامات حزبی تا بالاترین مناصب رهبری، با رأی و اراده توده‌های سازمانی انتخاب می‌شوند، به وسیله آنها مورد کنترل قرار می‌گیرند و هر لحظه باید جوابگوی مسئولیت خود باشند؟ آیا از فضای دمکراتیک بحث، اقیان، مخالفت، و پذیرش مسئولانه تصمیم‌گیری در مقابل اقلیت مطلع هستید؟ نتایج گرانقدر این فضای دمکراتیک، این تجلی اراده توده‌های سازمانی، این خلافت پرشور

ناشی از بهر صندی از خرد جمعی را لا اقل از رفقای سابق خود، که اینک در حزب
دموکراتیک مردم ایران، این تجربه ارزشمند را از سر می گذرانند بپرسید و آنرا با
فضای خشک و سرپازخانیهای حزب توده ایران مقایسه کنید.

آنگاه ضروری است از خود و از وجدان خود سؤال کنید که برآستی کدام "مصلحت"،
رهبران حزب شما را به دادن وعده وعید، دروغگویی، تصفیه و دستبندی های پشت
پرده در تمام چند سال گذشته و حال واداشته، و شما را برای سکوت و تحمل متقاعد
کرده است؟

رفقای عزیز!

به شما هشدار می دهم که مادام که با افسانه "ضرورت حفظ موجودیت حزب" در عمل
در حفظ موجودیت بنی فاسد اقدام می کنید و خود را در مدار بسته دگم های تیریا اسپر
کردن باید، از انجام رسالتی که به عنوان کمونیست و مبارز حقیقت جو و حقیقت گو —
عهده دارید باز خواهید ماند و آرمان های شما در برابر قید و بند ها رنگ خواهند
باخت.

ما می دانیم و شما هم می دانید که همگی ما هر چند ناآگاهانه در انحرافات حزب
در جریان انقلاب بهمن که تا سرحد خیانت به منافع مردم گسترش یافت، کم و بیش
سهم داشتیم و باید در پیشگاه توده ها پاسخگو باشیم. هیچیک از ما مجاز نیسونه
و نیست که بخاطر مصالح حقیر مثنی بوروکرات در از مردم به توجیبات دن کشتوتوار
پلنوم ۱۸ و "کنفرانس ملی" در مورد گذشته کردن بگذارد و از ریشه های همه جاننده
طل تاریخی فاجعه حزب طفره رود. نگذارید بوروکرات های فاسد، صداقت و انگیزه های
سالم شما را به سربلای خود در برابر آماج بحق انتقادات مردم بدل سازند.

رفقای عزیز، تعمق در تاریخ هر قدر تلخ باشد، ضرورت دارد و آموزنده است.

درست می سال پیش، کاد رهای حزبی در پلنوم وسیع چهارم که برای بررسی مثنی
و سیاست گذشته حزب در پرتو شکست فاجعه بار جنبش ملی کردن نفت و حوادث مهم
دیگر آمده بودند، به معضل اختلافات فلج کننده در دستگاه رهبری پرداختند.
پلنوم وسیع "پس از بررسی اسناد و مدارک موجود و استماع بیانات اعضا" کمیته مرکزی
و اعضا "پلنوم، نظر خود را در باره ارزیابی اختلافات در کمیته مرکزی و عملیات

فراگسیونی در داخل حزب که در فلج ساختن حیات حزب نقش مهمی داشته است، از جمله تأکید می‌کند که: "اختلافات در رهبری حزب ما بطور عمد و بنحوی از آنها" — حفظ یا اشغال مواضع مهم رهبری ارتباط داشته است. کادرهای حزبی با شجاعت و شہامت و بین‌ظری تأکید کردند که طرفین اختلاف در مبارزات خود، شیوه‌های بکسی غیر اصولی و ناسالم بکار می‌برند. تهمت زنی، پرونده سازی، سوءظن بیجا، عدم رعایت اصولیت تشکیلاتی، ناسازگاری با جمع، تک‌روی، خشونت، لجاج، کین توزی، چنین است نمونه‌هایی از این شیوه‌ها. پلنوم وسیع کمیته مرکزی این روش‌های نادرست را شدیداً "و قویاً" محکوم می‌کند و مجریان آن را به انتقاد از خود صریح و بی‌خدشه و رعایت اصول دعوت می‌نماید."

پلنوم وسیع در توضیح "طل بروز اختلافات و توسعهی آن" به عوامل عمدۀ زیرمبنی تأکید می‌ورزد:

"الف - اختلافات در داخل رهبری حزب ما قبل از هر چیز نتیجه نفوذ ایدئولوژی خرد و بورژوازی بجای ایدئولوژی پرولتری در اسلوب مبارزات درون حزبی است.

ب - دستگاه رهبری بر اثر ضعف کیفی یعنی سطح نازل تفویض و ضعف کاراکنس انتقالی خود در مجموع نه تنها قادر به حل اختلافات نبود بلکه غالباً آنها را تشدید کرده است.

ج - فقدان دموکراسی داخل حزبی مانع در حالت توده‌های حزبی در مسلسل اختلافات گردیده است. پلنوم معتقد است که اگر دموکراسی در حزب حاکم بود اینسبب اختلافات در صورت نظر هر با در حالت توده‌های حزبی در نطفه خفه می‌شد."

گذشت سی سال و تجربیات پلنوم‌های متعدد، بویژه بعد از وحدت با دستگاه فاسد فرقه دموکرات آذربایجان، نشان می‌دهد که رهبری حزب کوچکترین درسی نگرفت و قدم اساسی در جهت اصلاح خویش برنداشت.

رهبری حزب حتی از انتشار این قطعنامه خودداری نمود. بدتر آنکه زندگانی طولانی در شرایط مهاجرت مجموعه رهبری را به انحطاط کشاند و اینک گردانندگان کنونی حزب توده ایران به مبتذل‌ترین و گستاخانه‌ترین وجهی ادامه دهندگان اصلاح ناپذیر همان شیوه‌های ناسالم و ضد کمونیستی هستند که با خونشان عین شده است.

همه ما يك انقلاب بزرگ را با تمام غنا و تجارب شكست آن از سرگذراند ما به —
و امروز باید به همراه مردم تجربه اندوخته ایران، فرزندان زمانه خود باشیم. تردید
نداشته باشید که راه و روش استالینی شاگردان بریها، امیر جعفر باقراوف ها و غلام
یحیی ها، دیگر هرگز راه و روش کمونیستهای اصیل و مردم رنج دیده ایران نخواهد
شد.

سطح تجربه و آگاهی جنبش و تجارب گرانبار مردم ما، به همراه ضرورتهای زندگی
هر دو به ما این اعتماد به نفس را بخشید فاند که از تکرار تجربه انحرافات ناتوان
گذشته از حزب با هشامی و وسواس پرهیز کنیم و حربه سنتی و قدیمی رهبری حزب
برای مرموب ساختن جنبش اعتراضی درون حزبی را یکبار برای همیشه خنثی سازیم
و انحرافات ریشه دار را به همراه متولیان این انحرافات به گورستان تاریخ بسپاریم.
ما در این راه در برابر سه نسل از کمونیستهای ایران، چه آنها که در صفوف حزب
و چه آنها که خارج از آن قربانی این انحرافات و پاسداران آنها شد فاند، و در برابر
طبقه کارگر و تمامی مردم ایران مسئولیم. بدون شك جنبش کارگری و مجموعه جنبش
دموکراتیک مردم ایران در سایه تجربه گرانبار خود کماتی را که بخاطر مصلحت
اندیشی ها، تردید ها، عوامل عاطفی، در عمل به پایبندی انحرافات و منحرفین میدان
دهند، پاران خود نخواهند دانست.

رفقای عزیز!

ما شما را به بازبینی همه جانبه و ریشه های انحرافات چند سویه حزب چه در عرصه
تشکیلاتی، چه در عرصه تقویریک و سیاسی و چه در عرصه مناسبات بین المللی فرا
می خوانیم. ما شما را فرا می خوانیم که تاریخ حزب و مجموعه مناسبات آنرا با دقت
و وسواس علمی فارغ از هرگونه تعصب بررسی کنید. ما شما را فرا می خوانیم که مجموعه
نظرات و مواضع حزب نویی ما را بدور از جو شائناژ مورد تفحص قرار دهید. ما شما
را در هر کجا که هستید، در زندان، در کارخانجات و مزارع، دانشگاه ها و مسلازس
و محلات، در غربت مهاجرت در همه کشورها . . . فرا می خوانیم که پس از تعمق در راه
نویی که همزمان شما برگزید فاند، با شجاعت و آگاهی تصمیم بگیرید.
پیام مکرره موسسان حزب دموکراتیک مردم ایران به شما وقتا اینست: خـــــــــــــــــود

و آرمان‌های خود را از منجلا بی که پاسداران ابدی انحرافات فاجعه‌بار در حزب
آفرید مانند شجاعانه نجات دهید. جنبش اصل چپ ایران را در فرواند آختن بختک
انحرافات و پاسداران انحرافات و در راس آنها متولیان حزب، با خروج دستجمعی
خود از این دستگاه یاری رسانید. و به حزب دموکراتیک مردم ایران به مثابه آلترناتیو
طبیعی خود بپیوندید. راه ما دشوار ولی روشن است. راه ما را برگزینید!

کنگره موسسان حزب دموکراتیک مردم ایران

کمیته مرکزی منتخب کنگره

دیماه ۱۳۶۶

به خلق رزمنده فلسطین

به سازمان آزادیبخش فلسطین

به حزب کمونیست فلسطین

ما ، شرکت کنندگان در کنگره موسسان حزب دموکراتیک مردم ایران (جدا شده از حسرتزب توده ایران) مراتب همبستگی عمیق خود را با مبارزه قهرمانانه مردم فلسطین علیه اشغالگران اسرائیلی که این روزها بطور بی سابقه ای اوج گرفته است ، ابراز می داریم . مبارزه خونین و حماسه ای که اکنون در سرزمین های اشغالی جریان دارد ، به خوبی نشان می دهد که نه با زور و نه با کشتار و سرکوب چندین ده ساله و نه با هیچ وسیله دیگری نمی توان خلقی را که برای آزادی سرزمین اشغال شده خود می رزمند ، خاموش ساخت . بیش از ۴۰ سال سیاست نژادکشی دولت تجاوزگر اسرائیل علیه خلق قهرمان فلسطین از صفحات تاریخ بشریت به شمار می رود و داغ ننگ آن همواره بر پیشانی اسرائیل و دولت های حامی آن در سراسر جهان مانند امپریالیسم آمریکا خواهد ماند . ما ، نمایندگان شرکت کننده در کنگره ، اقدامات سرکوبگرانه و ضد انسانی دولت اسرائیل علیه خلق فلسطین را به شدت محکوم می کنیم .

ما ، فعالان از خواست برحق مردم فلسطین برای ایجاد یک کشور مستقل پشتیبانی می کنیم . ما ، همصدا با همه نیروهای مترقی جهان ، خواستار تشکیل کنفرانس بین المللی یا شرکت همه طرفهای درگیر در مناقشه خاورمیانه و از جمله نماینده قانونی خلق فلسطین ، سازمان آزادیبخش فلسطین هستیم .

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم فلسطین

پایدار باد همبستگی مردم فلسطین و ایران

کنگره موسسان حزب دموکراتیک مردم ایران

www.iran-archive.com

**RIVERO
P. B. 47
92215 SAINT CLOUD CEDEX
FRANCE**

انتشارات حزب ديمقراطيك مردم ايران